

سوریه؛ میدان مین جدید در روابط تل آویو و آنکارا

طرح نو؛ سردبیر
تحولات اخیر در صحنه سوریه، به ویژه پس از سقوط دولت بشار اسد و نقش آفرینی پررنگ آنکارا، موازنه قوا در مرزهای شمالی اسرائیل را وارد فاز جدیدی کرده است. گزارش‌های اخیر رسانه‌های اسرائیلی درباره تعیین «خطوط قرمز» برای فعالیت‌های نظامی ترکیه در سوریه، نشان‌دهنده یک تغییر پارادایم در روابط امنیتی میان تل آویو و آنکارا است.

در این مقاله‌ی کوتاه تلاش کرده ام، به بررسی ابعاد مختلف این تنش، استراتژی‌های بازدارندگی اسرائیل و پیامدهای حضور نظامی ترکیه در مجاورت بلندی‌های جولان بپردازم.

گذار از «نظم اسد» به «نفوذ آنکارا»

برای دهه‌ها، استراتژی اسرائیل در سوریه بر مبنای «کارزار بین جنگ‌ها» استوار بود که هدف اصلی آن ممانعت از تثبیت حضور ایران و حزب‌الله بود. با فروپاشی ساختار قبلی قدرت در دمشق، اکنون اسرائیل با بازیگری مواج...

از دیرباز تا کنون، تبریز جولانگاه مهاجمان اردبیلی

واکوی یک شکاف عمیق میان «اسطوره ملی» و برخی هواداران منتسب به تراکتور

طرح نو بررسی می‌کند:

تبریز هر گره‌گاه ترافیک بازگشت اعتماد پیش‌نیاز نظم نو

در صفحه ۸



زبان فرهنگ و دیپلماسی در دربار سلاطین عثمانی؛ نفوذ دیرینه و ژرف زبان و ادبیات فارسی بر قلمرو عثمانی

طرح نو؛ سردبیر
تاریخ تمدن‌های اسلامی در منطقه غرب آسیا و آناتولی، با پیوندی ناگسستنی میان دو هویت فرهنگی بزرگ گره خورده است: هویت ایرانی و هویت ترکی. از سده‌های میانه به این سو، زبان پارسی نه تنها به عنوان زبان یک قوم، بلکه به عنوان «زبان کلاسیک فرهنگ، هنر و دیپلماسی» در پهنه‌های وسیع از هند تا بالکان قد برافراشت.

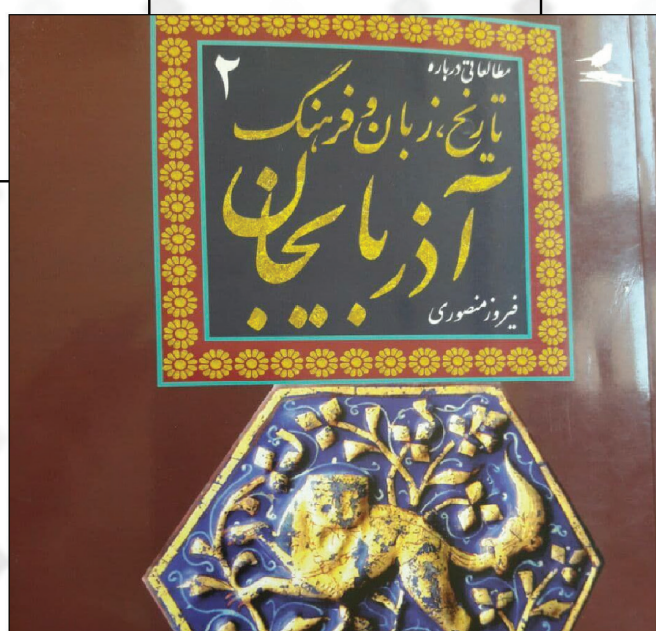
در این میان، دولت عثمانی جایگاهی ویژه دارد. سلاطین عثمانی که خود را وارثان تمدن‌های بزرگ اسلامی می‌دانستند، از همان آغاز شکل‌گیری قدرت خود در آناتولی، مسحور غنای ادبی و ظرافت‌های زبانی پارسی شدند. زبان فارسی در دربار عثمانی، حکمی فراتر از یک زبان بیگانه داشت؛ این زبان، معیار فرهیختگی و سواد محسوب می‌شد. تا جایی که نامه‌های رسمی میان سلاطین عثمانی و پادشاهان دیگر (حتی حکام اروپایی در دوره‌هایی) به زبان فارسی نگاشته می‌شد.

عشق سلاطین عثمانی به ادبیات پارسی تا حدی بود که بسیاری از آنان خود به فارسی شعر می‌سرودند. سلطان سلیم اول، با وجود اختلافات سیاسی و نظامی با صفویان، دیوان شعری کامل به زبان فارسی دارد که نشان‌دهنده تسلط حیرت‌انگیز او بر صنایع ادبی پارسی است. همچنین سلطان سلیمان قانونی (با تخلص مجیبی) و سلطان محمد فاتح، اشعار نغزی به فارسی دارند که نشان‌دهنده رسوخ مفاهیم عرفانی و عاشقانه ایرانی در اندیشه آنان است. در واقع، دربار استانبول برای سده‌ها، کانون تپنده ادب پارسی در غرب جهان اسلام بود...

توصیف زبان مردم آذربایجان از زبان مسیون‌های مسیحی

والدبرگر (نویسنده آلمانی) در کتاب مبلغان آلمانی در ایران نیز آورده است:

«... کارل فاندرا پایه گذار فعالیت مبلغان آلمانی بود. ماموریت او در قفقاز و روسیه بود اما به ایران و عثمانی نیز سفر کرد. وظیفه‌ی او کسب اطلاع از جوامع اسلامی و بررسی اوضاع و احوال فرهنگی ایران و عثمانی بود او [فاندرا] در بغداد عربی و در تبریز زبان فارسی را آموخت ...»



... مبلغان مسیحی هدف خود را مخفی نگه می‌داشتند ... مسافرت کردن، یادگیری زبان‌های محلی و گفتگو با مردم و جلب اعتماد آنها، توصیه شده بود. کارل، گوتهایب. فاندرا، پایه‌گذار فعالیت مبلغان آلمانی بود. ماموریت رسمی فاندرا در روسیه و قفقاز بود؛ ولی به ایران و عثمانی نیز سفر کرد. او از ۱۸۴۲ تا ۱۸۴۳ در تبریز اقامت کرد. وظیفه او کسب اطلاع از جوامع اسلامی، بررسی اوضاع و احوال فرهنگی ایران و عثمانی بود. فاندرا در ۱۸۲۵ به روسیه فرستاده شد. او انجیل را به زبان ترکی در قفقاز ترجمه کرد و در سال ۱۸۲۹ کتاب میزان‌الحق را در ردّ دین اسلام نوشت. او در بغداد، عربی و در تبریز، زبان فارسی را آموخت و به شهرهای شمال غربی و غرب ایران رفت و تبلیغ مسیحیت کرد. در ۱۸۳۱ در کرمانشاه مردم بر او شوریدند. او مسجور شد کتاب‌هایش را بر زمین نهاده و از شهر فرار کند. میزان‌الحق در سال ۱۸۳۲ در شوشی به فارسی ترجمه شد. به نظر عباس میرزا، فاندرا یک جاسوس روسی بود که می‌خواست تشنج سیاسی بیافریند.

جاستینن پرکینز یکی از مبلغان مسیحیت بود که برای ماموریت در اواخر حکومت فتحعلی شاه قاجار به ایران آمد. او در کتاب خاطرات هشت ساله‌ی خود، درباره مردم تبریز نوشته است:

«... نخستین جلسه‌ی ما در تبریز، ۱۳ اکتبر ۱۸۳۴ با حضور اعضای مسیون بازل گشایش یافت. ف. هاس چند ماه پیش از شوشی به تبریز آمده. همکار وی هونل هم امروز وارد شد. آنان در حال یادگیری زبان فارسی هستند که با مراجعه به مسلمانان تبریز آن را فرا می‌گیرند ...»

بحران دریاچه ارومیه در کمین دشت قزوین و خطه شمال کشور



به شرح زیر است:

سدسازی و جاده سازی از علل خشکی دریاچه ارومیه

توسعه باغات سیب درختی در اطراف دریاچه ارومیه و برداشت بی رویه آب برای آن را تا چه میزان بر خشکیدگی این دریاچه موثر می دانید؟ آیا افزایش تولید سیب درختی و توسعه باغات این محصول جزئی از امنیت غذایی کشور بوده است؟

مجبلی: اتفاقی که درباره دریاچه ارومیه افتاد، این بود که برای آبیاری باغات، آب مورد نیاز آن را از رودخانه‌ها قطع کردند؛ این رویکرد، پمپاژ آب دریاچه به بالای کوه تا آب چرخش کند و پایین بیاید را نمی بیند برخلاف آنچه در لاهیجان برای آبیاری باغات چای شاهدیم. احتمال اینکه ۱۵ تا ۲۰ سال آینده دریاچه ارومیه و حتی دریای خزر را نداشته باشیم، بسیار بالاست زیرا روی رودخانه هایی که به این دریا متصل هستند، سدسازی شده است.

وقتی سدسازی می کنید و آب را از چرخه طبیعی خود که هزاران سال به طور منحصربه فرد توانسته جویگویی نیازهای آن چرخه باشد، تغییر می دهید یعنی باعث می شوید که آب به جای اینکه وارد دریاچه ارومیه، دریای خزر یا هر دریاچه و تالاب دیگری شود، فرصتی برای تبخیر شدن و بالا رفتن پیدا کند و با یاد انتقال پیدا کند. در موضوع دریاچه ارومیه، فقط بحث رعایت نشدن الگوی کشت مطرح نیست؛ سدسازی های بسیاری روی حوضه دریاچه ارومیه صورت گرفته با این تفکر که این آنها به هدر می رود و چرا وارد دریاچه ای شود شود؛ این در حالیکه که این آب باید وارد دریاچه شود از آنجا تبخیر شود، ابر و باران شود، وارد جویبار و سفره های زیرزمینی شود و دوباره از کف دریاچه وارد شود تا دریاچه را سالم نگهدارد.

مشکل دوم آنجا پدیدار شد که وسط دریاچه جاده احداث کردند در حالی که به مسایل اقلیمی تسلط نداشتند؛ این جاده اگرچه فاصله را سه ساعت کاهش داده اما آقلدر سنگ و گل و بند و بساط داخل کف دریاچه ریخته شده که چشمه های کف دریاچه را کور کرد و یک اکوسیستم و چرخه طبیعی را به هم زد. در گذشته در حوضه دریاچه ارومیه انگور کاشته می شد که یک گیاه کم آب بر است و با هر اقلیمی قابلیت سازگاری دارد و در هر شرایطی محصول می دهد؛ به جای این انگور، سیب کاشتم که آب بری بالایی دارد و باید دائم از آن مراقبت شود. با این کار کشاورزان منطقه را هم آزار دادیم تا به محصولی رسیدیم که کارخانه فرآوری آن را نداریم.

توجه به آب مجازی باید محور تصمیم گیری ها باشد

مجبلی: در بحث آب و نیاز آبی صنعت، کشاورزی و شرب باید به سمت آب مجازی برویم یعنی مشخص باشد تولیدکننده برای تولید محصول خود چه میزان آب مصرف می کند و اینکه آیا تولید آن محصول در شرایط آبی کشور به صرفه است یا خیر. اکنون سوال این است که آیا سببی که در حوضه ارومیه تولید می شود، چه میزان آب مجازی نیاز دارد و آیا برای فرآوری آن فکری شده است یا خیر و حتی اینکه این کارخانه ها با چه هزینه ای احداث شده اند. در شرایط کنونی باید به این فکر بود که یک منبع آبی و چرخه آن را حفظ کرد؛ این چرخه از تبخیر آب آغاز می شود و با ابر و باران، باد، جویبار، برگشت به رودخانه ادامه می یابد. هرگونه خللی در این چرخه باعث می شود که این منبع آب از دست برود.

با این اوصاف طرح های انتقال آب را چگونه ارزیابی می کنید؟

مجبلی: انتقال آب یعنی اینکه وقتی یک حوضه آب به آب خود نیاز دارد، آن را به بخش دیگری منتقل کنیم. این مسئله است و می تواند با این آب کار کند؟ مشکل اینجاست که صنایع آب بر را در مناطقی مثل زاینده رود مستقر می کنیم و آب زاینده رود را به جای دیگری منتقل می کنیم؛ وقتی خود اصفهان و حتی چهارمحال بختیاری به این آب نیاز دارند، وقتی آب را منتقل می کنید یعنی زندگی را از آنجا می گیرید.

یکی از موضوعاتی که در کشورهای پیشرفته مطرح است، این است که اگر قرار است کارخانه ای در نقطه ای احداث شود، می بایست قبل از آن معیشت کشاورزان آن منطقه تامین باشد و بتوانند در شرایط جدید زندگی کنند. نه اینکه مثلاً در کنار زاینده رود صنایع آب بر احداث کنیم و نه فقط معیشت کشاورزان را از بین ببریم بلکه به آنها دود و آلودگی و تغییر اقلیم تحویل دهیم.

اگر امروز در برنامه ریزی های کلان کشور مواردی از این دست دیده نشود، همانطور که دریاچه ارومیه از دست رفت، دریای خزر و هزاران تالاب موجود نیز از بین می روند.

بازپس گیری حق آبه که به کشاورزان داده شد؛ دشوار است

چرا با وجود ارایه الگوی کشت به کشاورزان حوضه دریاچه ارومیه، تغییری در وضعیت این دریاچه ایجاد نشد؟

نیوکویی: هر برنامه ای نیازمند جامع نگری است؛ سیاست توسعه کشت در حوضه دریاچه ارومیه حقی را برای بهره برداران ایجاد کرد و حالا گرفتن این حق کار آسانی نیست زیرا بهره بردار بر اساس شرایط کشور، برنامه ریزی خود را داشته و اگر بخواهیم آن را تغییر دهیم، از نظر حقوقی و سیاسی تبعات دارد.

اگرچه برای آب حوضه دریاچه ارومیه طبق چارچوب الگوی کشت برنامه ریزی شده است اما به نظر می رسد که مشکل دریاچه ارومیه را حل نخواهد کرد زیرا برای بخش عمده ای از سر منشاء آب این حوضه حقوقی ایجاد کرده ایم.

بهرتر است از دریاچه ارومیه درس بگیریم و برای نقاط دیگری که شرایط مشابه دارند، اجازه ندهیم که این اتفاق برایشان بیفتد؛ به طور مثال اکنون نگرانی هایی بابت دشت قزوین وجود دارد که ممکن است در آینده همین اتفاق برایش رخ بدهد. یا اگر اکنون به داد مازندران گلستان نرسیم، روزی با همین شرایط دریاچه ارومیه روبرو می شویم. حتی در خراسان رضوی با توجه به وابستگی شدید آن به منابع آب زیرزمینی، باید از هم اکنون وضعیت را کنترل کنیم تا در آینده با مشکل روبرو نشویم. باید به فکر مناطقی باشیم که هنوز به شرایط بحرانی نرسیده اند حداقل آنها را نجات بدهیم. / ایرنا

سیاست باکو پیمان دفاع متقابل با آنکارا را تصویب کرد

طرح نو؛ سردبیر پارلمان جمهوری آذربایجان یادداشت تفاهم دوجانبه با ترکیه را تصویب کرده است؛ بر اساس این سند، در صورت وقوع تجاوز نظامی، دو کشور موظف به ارائه کمک نظامی متقابل به یکدیگر هستند. این اقدام، مفاد مربوط به دفاع جمعی را در چارچوب اتحاد نزدیک موجود رسمی کرده و پیامدهای مهمی برای ساختار امنیت منطقه‌ای به همراه دارد.

گفتنی است که این یادداشت تفاهم در ۲۲ ژوئیه ۲۰۲۵ در استانبول توسط وزیر دفاع آذربایجان، ذاکر حسن‌اف، و وزیر دفاع ملی ترکیه، یاشار گولر، امضا شده بود. این سند بر پایه چارچوب‌های دفاعی پیش‌تر ایجاد شده، به‌ویژه «بیانیه شوشا» در سال ۲۰۲۱ و توافق‌نامه مشارکت راهبردی سال ۲۰۱۰ استوار است.

تصویب این سند به معنای گذار از شراکت مبتنی بر اعلامیه‌های سیاسی به تعهدات حقوقی و روشن دفاع متقابل میان جمهوری آذربایجان و ترکیه است. لایحه‌ای که در ۱۶ دسامبر ۲۰۲۵ توسط مجلس ملی تأیید شد، یادداشت تفاهمی را تصویب می‌کند که ارائه کمک متقابل در صورت تجاوز نظامی را به تعهدی صریح تبدیل کرده و با استناد به ماده ۵۱ منشور سازمان ملل، حق دفاع فردی و جمعی را یادآوری می‌کند.

این سند پایه حقوقی تازه‌ای برای سازوکار حمایت نظامی ایجاد می‌کند که پیش از این عمدتاً بر اعلامیه‌های سیاسی استوار بود. اگرچه روابط دو کشور سال‌ها به عنوان «یک ملت، دو دولت» توصیف شده، این یادداشت با تعریف یک مکانیسم مشخص و الزام‌آور، بخش زیادی از ابهام‌های گذشته را برطرف می‌کند.

علیه هیچ کشور ثالثی نیست

مقام‌های رسمی تأکید کرده‌اند که این یادداشت تفاهم علیه هیچ کشور ثالثی نیست و به عنوان اقدامی در جهت صلح و ثبات منطقه معرفی می‌شود. در متن توافق به‌صراحت آمده است که مفاد آن ماهیتی دفاعی دارد؛ این فرمول‌بندی با اسناد پیشین دوجانبه و موضع رسمی آذربایجان پس از جنگ قره‌باغ ۲۰۲۰ همخوانی دارد.

علاوه بر دفاع جمعی، این یادداشت تفاهم حوزه همکاری نظامی را در چند زمینه گسترش می‌دهد؛ از جمله رزمایش‌های مشترک، آموزش و تربیت حرفه‌ای نظامی، همکاری در صنایع دفاعی، هماهنگی لجستیکی و اقداماتی برای افزایش هم‌خوانی نیروهای مسلح دو کشور.

اگرچه آذربایجان و ترکیه سال‌هاست رزمایش مشترک برگزار می‌کنند، اما وارد کردن رسمی همکاری لجستیکی و صنعتی به متن توافق، نشان‌دهنده همگرایی عمیق‌تر و احتمال تأثیرگذاری بر رویه‌های تأمین، خرید و استانداردسازی در هر دو ارتش است. اما ترکیه هنوز این توافق نامه را رسمی نکرده است و بر اساس شرایط سند، توافق تنها پس از تکمیل فرآیندهای داخلی تصویب در هر دو کشور لازم‌الاجرا می‌شود. این روند مرحله‌ای نشان می‌دهد که اگرچه هماهنگی سیاسی مدت‌ها وجود داشته، اما رسمیت حقوقی مطابق با تقویم‌های قانون‌گذاری ملی پیش می‌رود.

سرمقاله

سوریه؛ میدان مین جدید در روابط تل آویو و آنکارا



طرح نو؛ سردبیر تحولات اخیر در صحنه سوریه، به‌ویژه پس از سقوط دولت بشار اسد و نقش‌آفرینی پررنگ آنکارا، موازنه قوا در مرزهای شمالی اسرائیل را وارد فاز جدیدی کرده است. گزارش‌های اخیر رسانه‌های اسرائیلی درباره تعیین «خطوط قرمز» برای فعالیت‌های نظامی ترکیه در سوریه، نشان‌دهنده یک تغییر پارادایم در روابط امنیتی میان تل‌آویو و آنکارا است.

در این مقاله‌ی کوتاه تلاش کرده ام، بر بررسی ابعاد مختلف این تنش، استراتژی‌های بازدارندگی اسرائیل و پیامدهای حضور نظامی ترکیه در مجاورت بلندی‌های جولان بپردازم.

گذار از «نظم اسد» به «نفوذ آنکارا»

برای دهه‌ها، استراتژی اسرائیل در سوریه بر مبنای «کازار بین جنگ‌ها» استوار بود که هدف اصلی آن ممانعت از تثبیت حضور ایران و حزب‌الله بود. با فروپاشی ساختار قبلی قدرت در دمشق، اکنون اسرائیل با بازیگری مواجه است که برخلاف ایران، عضو ناتو است و روابط دیپلماتیک پیچیده‌ای با تل‌آویو دارد.

در این میان سفر هم‌زمان هاگان فیدان، یاشار گولر و ابراهیم کالن به دمشق، پیامی روشن به منطقه مخابره کرد مبنی بر این که ترکیه دیگر تنها یک بازیگر در شمال سوریه نیست، بلکه به دنبال مهندسی ساختار امنیتی و سیاسی کل سوریه است. اما از نظر اسرائیل، این «تعمیق نفوذ» به معنای نزدیکی یک ارتش مدرن و قدرتمند به

مرزهایش است که لزوماً با منافع امنیتی تل‌آویو همسو نیست. گزارش شبکه ۱۲ اسرائیل، تل‌آویو میان «تجهیزات لجستیکی» و «تسلیمات راهبردی» تفکیک قائل شده است. اما این خطوط قرمز دقیقاً شامل چه مواردی می‌شوند؟ سامانه‌های پدافند هوایی: انتقال هرگونه سامانه موشکی سطح‌به‌هوا (حتی مدل‌های میان‌برد ترکیه) که بتواند آزادی عمل نیروی هوایی اسرائیل را در آسمان سوریه مختل کند، خط قرمز مطلق محسوب می‌شود.

موشک‌های نقطه‌زن و پهپادهای تهاجمی: اگرچه تجهیزات با قابلیت تحرک بالا فعلاً تحمل می‌شوند، اما استقرار پهپادهای پیشرفته (مانند بیرقدار یا آکینجی) در جنوب سوریه، موازنه تهدید را به ضرر اسرائیل تغییر می‌دهد. تکنولوژی جنگ الکترونیک: استقرار تجهیزات اختلال که بتواند بر رادارهای اسرائیل در مرزهای شمالی اثر بگذارد، از دیگر خطوط قرمز است. اما نکته کلیدی این که اسرائیل با اعلام اینکه «منبع سلاح» (حتی اگر ترکیه باشد) تأثیری در واکنش نظامی نخواهد

داشت، در واقع پیامی هشدارآمیز به آنکارا فرستاده است که عضویت در ناتو مصونیتی برای اقدامات نظامی در سوریه ایجاد نمی‌کند. ترکیه در سوریه به دنبال دو هدف اصلی است: یکی سرکوب شبه‌نظامیان کرد (YPG) و دیگری ایجاد یک دولت دست‌نشانده یا همسو در دمشق برای بازگرداندن پناهنجویان. در مقابل، اسرائیل به دنبال یک سوریه ضعیف یا دست‌کم عاری از تهدیدات موشکی است. تضاد اصلی میان این دو زمانی رخ می‌دهد که ترکیه برای تثبیت قدرت دولت جدید در دمشق، اقدام به بازسازی ارتش سوریه با استانداردهای خود کند. ارتش سوریه‌ای که توسط ترکیه آموزش دیده و مسلح شده باشد، اگرچه خطر «محور مقاومت» را ندارد، اما می‌تواند در بلندمدت به یک قدرت منطقه‌ای تبدیل شود که ادعاهای ارضی در مورد جولان را با ابزارهای نظامی جدی‌تری دنبال کند.

استراتژی «به‌روزرسانی مستمر بانگ اهداف»

اعلام رسمی اسرائیل مبنی بر به‌روزرسانی فهرست اهداف نظامی، یک تاکتیک پیش‌دستانه است که این اقدام دو پیامد دارد: اول این که دولت جدید سوریه باید بداند که پذیرش تسلیحات خاص از ترکیه، هزینه‌ای معادل بمباران زیرساخت‌هایش را خواهد داشت. و دوم این که تل‌آویو با این کار، توپ را به زمین ترکیه انداخته است تا ببیند آیا آنکارا حاضر است برای تجهیز دمشق، وارد یک درگیری نیابتی یا مستقیم با اسرائیل شود یا خیر؟! سناریوی اول، تفاهم زیرپوستی: احتمال دارد اسرائیل و



تراکتور اسکوچیچ؛ متخصص در کامبک



تعویض‌ها در تیم اسکوچیچ صرفاً برای تغییر نفر نیست؛ برای تغییر ریتم، فضا و ذهنیت بازی است. ورود بازیکنان تازه‌نفس در زمان درست، فشار روی خط دفاع حریف را افزایش می‌دهد و باعث می‌شود

طرح‌نو؛ مریم دالانی قدیم تراکتور درآگان اسکوچیچ را می‌توان تیم لحظات سخت نامید؛ تیمی که هرچه بازی گره‌خورده‌تر می‌شود، چهره واقع‌اش را بیشتر نشان می‌دهد. در فصلی که بسیاری از تیم‌ها با دریافت گل اول از هم می‌پاشند، تراکتور مسیری متفاوت را انتخاب کرده است؛ مسیری که به بازگشت، جبران و حتی تحمیل شکست به حریف ختم می‌شود. کامبک برای تراکتور اسکوچیچ نه یک اتفاق نادر، بلکه یک عادت شده است.

اسکوچیچ بیش از هر چیز به «کنترل بازی» اعتقاد دارد. نه صرفاً نتیجه در دقایق ابتدایی. همین نگاه باعث شده تراکتور حتی پس از عقب افتادن، از چارچوب تاکتیکی خود خارج نشود. این تیم به جای بازی احساسی، با حفظ شکل دفاعی، گردش صحیح توپ و استفاده از عرض زمین، به تدریج نبض بازی را در دست می‌گیرد. شاید تراکتور همیشه مالکیت مطلق نداشته باشد، اما در لحظات کلیدی، خطرناک‌ترین تیم زمین است. یکی از دلایل اصلی موفقیت تراکتور در بازگشت‌ها، نیمکت فعال و تصمیم‌های دقیق کادر فنی است.

آبروداری تراکتور در آسیا و شادی بخش مردم در روزهای تورم اقتصادی



طرح‌نو؛ ابراهیم بوسلیکی متشکریم تراکتور. در این روزهای سخت زندگی و تورم اقتصادی شادی آفرین اید به جامعه و اهالی ورزشی و غیر ورزشی. شیران رام نشدنی تراکتور بار دیگر و این بار در رقابت‌های جام نخچگان آسیا نیز در تبریز شگفتی آفرینند و تیم الدحیل قطر را مثل تیم پرسپولیس با شکست بدرقه کردند. در این ۴ روز تراکتور، پرسپولیس را از گردونه جام حذفی برداشت و تیم الدحیل پستاره را. با این برد شیرین تراکتور با ۱۴ امتیاز به مرحله حذفی نخچگان آسیا صعود کرد. آن چه کارشناسان در شبکه ۳ سراسری سیما گفتند: جالب توجه بود و آن اینکه این تیم محبوب کشورمان در هر تورنمنتی و مسابقه ای مدعی اصلی است و زنوزی با قدرت مالی، هوشمندانه به شاکله منسجم این تیم همت جانانه کرده است. امروزه نه تنها ترکان و آذری‌ها در سراسر ایران بلکه ایرانیان در سراسر جهان به این تیم افتخار کردند. انسجام تیمی، هماهنگی و همدلی و شخصیت قهرمانی را می‌توان در وجود سرمربی، کادر

از دیرباز تا کنون، تبریز جولانگاه مهاجمان اردبیلی



پس از او، نوبت به مهاجمی رسید که فوتبالش پرتحرک‌تر و جنگنده‌تر بود؛ مهرداد بایرامی. بایرامی انرژی را به خط حمله آورد. دویدن‌های بی‌امان، فشار روی مدافعان و حضوری دائمی در جریان بازی. اگر کریم نماد خونسردی بود، مهرداد نماد سماجت بود؛ مکمل همان مسیری که انصاری‌فرد آغاز کرده بود. و امروز، در عصر سرعت و فوتبال بی‌رحم، این مسیر به امیرحسین حسین‌زاده رسیده است؛ یوز ایرانی تراکتور. او ترکیبی از گذشته و حال است؛ خونسردی در ضربه آخر، یادگار کریم، و تحرک، جسارت و فشار مداوم، یادگار بایرامی. حسین‌زاده فقط یک مهاجم نیست؛ ادامه یک روایت است. روایتی که سال‌ها پیش در تبریز نوشته شد و هر بار با نامی تازه، اما با همان ریشه، دوباره جان می‌گیرد. مهاجمان اردبیلی در تبریز فقط بازی نکرده‌اند؛ نقش ساخته‌اند. از کریم انصاری‌فرد تا مهرداد بایرامی، و امروز امیرحسین حسین‌زاده. تبریز همیشه میدان تاخت مهاجمانی بوده که بلندند چگونه گل را به سکوها هدیه بدهند.

طرح‌نو؛ حامد عطائی داستان مهاجمان اردبیلی در تبریز، با نامی آغاز شد که هنوز احترامش روی سکوها زنده است؛ کریم انصاری‌فرد. او اولین نشانه این پیوند بود؛ مهاجمی آرام، کم‌حرف و مرگبار. کریم در روزگاری پیراهن تراکتور را پوشید که گل زدن آسان نبود، اما او بلد بود چگونه در بحرانی‌ترین لحظه، ساده‌ترین تصمیم را بگیرد. گل‌هایش فریاد نبودند؛ حکم بودند. با هر ضربه، اعتماد هوادار به مهاجم اردبیلی شکل گرفت.

واکاوی یک شکاف عمیق میان «اسطوره ملی» و برخی هواداران منتسب به تراکتور

طرح‌نو؛ سردبیر در تاریخ فوتبال ایران، کمتر چهره‌ای را می‌توان یافت که به اندازه کریم باقری مورد احترام جمعی باشد. مردی که صلابت بازی‌اش در میانه میدان با آرامش و وقار اخلاقی‌اش در بیرون از زمین گره خورده است. با این حال، در سال‌های اخیر، بخشی از هواداران منتسب به باشگاه تراکتور تبریز، موضعی متفاوت و گاه تند نسبت به همشهری پرآوازه خود اتخاذ کرده‌اند؛ امری که متأسفانه مدیران فعلی تراکتور هم بجای میانجیگری و ایجاد حس همدلی در میان هواداران منتسب به خود با اسطوره تبریزی تیم ملی، تلاش دارند تا از این وضعیت گل‌آلود سوءاستفاده کنند! این تضاد، پرسشی اساسی را پیش می‌کشد و آن این است که چرا پسری که از زمین‌های خاکی تبریز قد کشید و به قله فوتبال آسیا رسید، در زادگاهش و در میان برخی افراد منتسب به جریان قومی با چنین چالش‌های عاطفی و هویتی روبروست؟ حق با کیست؛ اسطوره‌ای که راه حرفه‌ای‌گری را پیموده یا برخی هواداران منتسب به تراکتور که انتظار «تعصب قومی» از او داشتند؟

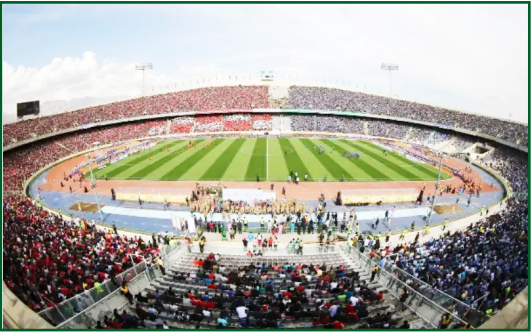
از باغ شمال تا بوندسلیگا

کریم باقری متولد اول اسفند ۱۳۵۲ در تبریز است. او فوتبال خود را در تراکتورسازی آغاز کرد و در همان دو سال حضور اولیه (۱۳۷۱ تا ۱۳۷۳)، چنان استعدادی از خود نشان داد که به سرعت راهی پاینخت و سپس اروپا شد. دوران حضور او در آرمینیا بیله‌فلد آلمان و چارلتون انگلیس، او را به یکی از پیشگامان لژیونر شدن فوتبال ایران



اتمسفر فوتبال ایران در دهه‌ی اخیر نگاه کرد. با بازگشت تراکتور به سطح اول فوتبال ایران در اواخر دهه ۸۰، این تیم فراتر از یک باشگاه ورزشی، به نمادی از مطالبات قومی توسط برخی هوادارانی تبدیل شد که به دنبال فوتبال نبودند! و در این فضای جدید و مسموم، انتظار این عده از ستارگان آذربایجانی تغییر کرد. آنها معتقدند اسطوره‌هایی که فوتبال خود را مدیون این خاک هستند، باید در دوران پختگی یا حداقل در سال‌های پایانی فوتبالشان به تبریز بازمی‌گشتند تا به تیم ریشه‌دار شهرشان ادای دین کنند؛

جایی که سکوت شکست، اما دیر



طرح‌نو؛ مریم دالانی قدیم فوتبال قرار است میدان رقابت، هیجان و همبستگی باشد؛ نه بستری برای توهین، تحقیر و تعمیق شکاف‌های قومی. متأسفانه در برخی دیدارها شاهد رفتارهایی از سوی بخشی از هواداران پرسپولیس بوده‌ایم که با سردادن شعارهای توهین‌آمیز علیه هواداران تراکتور، از چارچوب رقابت ورزشی خارج شده و به بی‌احترامی آشکار رسیده است. این رفتارها نه تنها به شأن فوتبال ایران لطمه می‌زند، بلکه احساس تعلق و احترام را از بخشی از جامعه هواداری سلب می‌کند. آنچه این مسئله را تلخ‌تر می‌کند، سکوت چهره‌های اثرگذار فوتبال در برابر این توهین‌هاست. کریم باقری، به‌عنوان یکی از اسطوره‌های فوتبال ایران و فردی که خود نیز ترک‌زبان است و همواره مورد احترام اقوام مختلف بوده، در مقطعی که شعارهای قومیتی حتی علیه هویت زبانی خودش سر داده شد، سکوت را ترجیح داد. این سکوت برای بسیاری از هواداران، نه از سر خویش‌داری، بلکه به‌مثابه نادیده‌گرفتن رنجی تلقی شد که سال‌هاست در سکوهای فوتبال تکرار می‌شود.

در مقابل، این سکوت در حالی رقم خورد که شهید آیت‌اله آل‌هاشم، نماینده وقت ولی‌فقیه در آذربایجان شرقی، با شجاعت و صراحت از تریبون نماز جمعه به انتقاد از همین شعارهای قومیتی پرداخت و آن‌ها را مغایر با وحدت ملی، اخلاق اسلامی و شأن مردم ایران دانست. موضع‌گیری ایشان نشان داد که دفاع از کرامت اقوام و زبان‌ها، نه مسئله‌ای جناحی یا ورزشی، بلکه وظیفه‌ای اجتماعی و اخلاقی است.

نکته قابل تأمل آنجاست که زمانی که هواداران تراکتور، در واکنشی احساسی و البته نادرست، تلاش کردند همانند تیم رقیب دست به مقابله‌به‌مثل بزنند که بی‌تردید این رفتار نیز محکوم و مردود است؛ سکوت همان کسانی شکست که پیش‌تر در شرایط مشابه، سکوت را اختیار کرده بودند. این تغییر موضع ناگهانی، شائبه برخورد دوگانه را تقویت کرد؛ گویی توهین زمانی ناپسند تلقی می‌شود که از سوی «دیگری» صورت گیرد، نه زمانی که ریشه در رفتارهای پیشین خودی دارد.

انتظار از بزرگان فوتبال و چهره‌های اثرگذار اجتماعی، تنها به عملکرد فنی یا وابستگی تیمی محدود نمی‌شود. در جامعه‌ای چندقومیتی مانند ایران، مسئولیت اجتماعی ایجاب می‌کند که در برابر هرگونه توهین قومی، بدون توجه به رنگ پیراهن یا نام تیم، موضعی شفاف، عادلانه و قاطع اتخاذ شود. محکوم کردن بی‌احترامی‌ها نباید گزینشی باشد؛ چرا که عدالت انتخابی، خود به تداوم بی‌عدالتی دامن می‌زند. فوتبال زمانی زیبا و ماندگار خواهد بود که همه هواداران، فارغ از زبان و قومیت، احساس احترام و امنیت کنند. تجربه نشان داده است که سکوت در برابر توهین، ناخواسته به تداوم آن مشروعیت می‌بخشد؛ و امروز بیش از هر زمان دیگری، انتظار می‌رود صداهایی که هنوز در جامعه شنیده می‌شوند، در برابر بی‌حرمتی‌ها سکوت نکنند.

اتفاقی که برای بزرگانی چون علی دایی و کریم باقری هرگز رخ نداد. در نگاه این افراد، حضور همیشگی باقری در بدنه فنی پرسپولیس، کمک به حفظ همونی تیمی است که آن‌ها آن را رقیب اصلی و نماد تمرکزگرایی ورزشی در تهران می‌دانند. آن‌ها می‌پرسند که «چرا دانش و اعتبار کریم باقری نباید صرف آذربایجان شود؟»

منطق حرفه‌ای‌گری یا عرق ملی؟

در جبهه مقابل، مدافعان کریم باقری و حتی خود او، به اصول فوتبال حرفه‌ای استناد می‌کنند. باقری همواره نشان داده که مردی به دور از حاشیه و شعارهای پوپولیستی است. یک فوتبالیست حرفه‌ای بر اساس امنیت شغلی، امکانات رفاهی و اهداف ورزشی خود تصمیم می‌گیرد. باقری در پرسپولیس به ثباتی دست یافت که شاید در تغییرات مداوم مدیریتی تراکتور در آن سال‌ها میسر نبود.

و این که کریم باقری در تمام دوران حضورش در پرسپولیس، هرگز علیه تیم شورش مصاحبه نکرد و در رویارویی‌های مستقیم نیز همواره حرمت هواداران تبریزی را حفظ کرد. او خود را یک «ایرانی آذری» می‌داند که اعتبارش متعلق به تمام جغرافیای ایران است. احترامی که استقلال‌ی‌ها، سیاهانی‌ها و دیگر رقبای پرسپولیس برای او قائلند، ناشی از «سیلی‌هایی» است که او به بازیکنان خودی در جهت کنترل حاشیه، زده است، نه لزوماً گل‌های راه دوری که به ثمر رسانده!

وقتی احساس بر منطق غلبه می‌کند

حق در این میان تقسیم شده است. اگر از عینک عاطفه و نوستالژی نگاه کنیم، حق با هواداری است که آرزو داشت کاپیتان باقری را با پیراهن قرمز تراکتور در ورزشگاه یادگار امام ببیند. تماشای اسطوره‌ای در لباس رقیب مستقیم، همیشه تلخ است. اما اگر از عینک حرفه‌ای‌گری و عدالت بنگریم، نمی‌توان یک انسان را به خاطر انتخاب مسیر شغلی‌اش سرزنش کرد. کریم باقری با ماندن در پرسپولیس، به وزنه‌ای برای آرامش فوتبال ایران تبدیل شد. او در بزنگاه‌های سخت، پلی میان بازیکنان و داوران، و میان هواداران و باشگاه بود.

نکته تامل‌برانگیز در این میان این است که برخورد تند برخی هواداران منتسب به تراکتور با باقری، بیش از آنکه متوجه شخص او باشد، واکنشی به ساختار فوتبال ایران است که ستارگان را به سمت قطب‌های پایتخت جذب می‌کند. باقری در اینجا، ناخواسته به «سیل» این اعتراضات تبدیل شده است. اما واقعیت این است که کریم باقری در تبریز متولد شد، در تهران به اوج رسید و در قلب ایران جای گرفت. او محصول دوران گذار فوتبال ایران از آماتوریزم به حرفه‌ای‌گری است. هوادارانی که به او خرده می‌گیرند، شاید روزی به این نتیجه برسند که افتخارآفرینی یک همشهری در هر جامه و لباسی، در نهایت به اعتبار زادگاه او می‌افزاید.

باقری با سکوت همیشگی‌اش در برابر این انتقادات، نشان داده که هنوز همان «کریم محبوب» سال‌های دور است. او ترجیح می‌دهد به جای پاسخ‌گویی به فریادها در ورزشگاه، با عملکردش به فوتبال ایران خدمت کند.

آبروی سامرا



رنگ صد لاله ز نسرين عذارش ريخته
صد نيستان ناله از آه نزارش ريخته
فاطمه گرنيست بربالين اوپس از چه روى
اين همه ياس پريشان در کنارش ريخته؟
يا پريده در حقيقت رنگ از روى مهش
يا دل آئينه ى آئينه دارش ريخته
تير ديگر در کمان صياددنيا، چون نداشت
زهر را، چون طرح بر جان شکارش ريخته
خشکسالى جاى دارد شهر را ويران کند
آبروى سامرا از چشم زارش ريخته
در عيادت از دلش شايد که دل ها بشکند
چون دل اهل و عيال او کنارش ريخته
بس که مى سوزد گمانم قالب خورشيد را
از دل آتش نهاد داغدارش ريخته
شايد از کربلا مى آيد و قبر حسين
ابر دلنتگى که باران بر مزارش ريخته
در کفن پيچيد مانند خبر در کوچه ها
در گريز روضه خود طر حى به کارش ريخته
جاى دارد تاک رويد معنى از خاک درش
اشک چشم عسکرى روى مزارش ريخته
شاعر:محمد سهرابى

♦♦♦

ملکا ذکر تو گویم

ملکا ذکر تو گویم که تو پاکی و خدایی
نروم جز به همان ره که توام راه نمایی
همه درگاه تو جویم همه از فضل تو بویم
همه توحید تو گویم که به توحید سزایی
توزن و جفت نداری تو خور و خفت نداری
احد بی زن و جفتی ملک کامروایی
نه نیازت به ولادت نه به فرزندت حاجت
تو جلیل الجبروتی تو نصیر الامرایی
تو حکیمی تو عظیمی تو کریمی تو رحیمی
تو نماینده فضلی تو سزوار ثنایی
بری از رنج و گدازی بری از درد و نیازی
بری از بیم و امیدی بری از چون و چرایی
بری از خوردن و خفتن بری از شرک و شیبهی
بری از صورت و رنگی بری از عیب و خطایی
نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم نگنجی
نتوان شبه تو گفتن که تو در وهم نیایی
نبد این خلق و تو بودی نبود خلق و تو باشی
نه بجبئی نه بگردی نه بکاهی نه فزایی
همه عزى و جلالى همه علمى و يقينى
همه نورى و سرورى همه جودى و جزاى
همه غيبى تو بدانى همه عيبى تو ببوشى
همه بيشى تو بکاهى همه کمى تو فزايى
احد ليس کمنله صمد ليس له ضد
لمن الملك تو گوئى که مر آن را تو سزايى
لب و دندان سنایی همه توحید تو گوید
مگر از آتش دوزخ بودش روى رهایی
«سنایی»

فرهنگ و ادب

طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب

حسین آتش‌پرور، داستان‌نویس و منتقد ادبی، گفت: عنوان آنتولوژی «زوزن» نام شهری‌ست که روزگاری شکوه و عظمتی داشته و ملکنشین بوده و بزرگانی در ادب داشته است؛ شهری که امروز تنها با یک نام در حاشیه نفس می‌کشد. هرچند ممکن است در ظاهر تشابه بین کتاب و این شهر در حد یک نام باشد اما می‌دانم که نویسندگان درحاشیه، آینده باشکوه داستان را خواهند ساخت.

حسین آتش‌پرور در کتاب «زوزن؛ نوآوران داستان امروز– نویسندگان جدید ایران» عرضه شده، داستان‌هایی را از نویسندگان جدید ایران جمع‌آوری کرده و نیز به بررسی شکل و ساخت این داستان‌ها پرداخته است. این داستان‌ها شامل «شغادنامه» نوشته محمود رمضان‌زاده، «برادرها زیر آفتاب» به قلم حبیب پیریاری، «اختتامار» اثر هما جاسمی، «در کمال پرتقال» اثر هادی کیکاووسی، «آمادبوس» نوشته محسن مرادی، «سرزمین گیاهان وحشی» اثر لیلا منفرد، «جنگ سرد در انزلی» نوشته سعید جوزانی، «مشآت» مهدی گنجوی، «ستاره سحابی در آسمان تاریک» به قلم فرزوان یاری، «بادکنک‌های هلیومی» نوشته ایزد امیرعبدالهیان، «زندگی سگی» به قلم حسین فاضلی، «ناله‌های همسایه» نوشته آیدا پالیزگر، «آن بالا منتهی‌الیه کبچگاه» اثر امید کامیارنژاد، «عطر» نوشته شمیم تویچی و «میل به تعقیب‌شدن» از هادی شفیعی است. آتش‌پرور در این اثر که اخیراً از سوی نشر عینک منتشر شده، به دنبال پرداختن به نویسندگان خلاق و کم‌تر دیده‌شده نوگرای امروز و گونه‌های متفاوت داستانی بوده است. هر داستان کتاب، علاوه بر یادداشتی درباره شکل و ساخت همان داستان، با معرفی نویسنده آن همراه است.

انتشار «زوزن» بهانه‌ای شد که با حسین آتش‌پرور درباره این کتاب و آنتولوژی‌های داستان در ایران و پیشینه آن‌ها و نیز وضعیت داستان‌نویسی امروز ایران گفت‌وگو کنیم.

«زوزن» که عنوان کتاب است نام یک شهر است. چه چیز در این نام و این شهر باعث شد که نام این آنتولوژی داستان را «زوزن» بگذارید؟

این شهر روزگاری شکوه و عظمتی داشته و ملکنشین بوده و بزرگانی در ادب داشته است؛ شهری که امروز تنها با یک نام در حاشیه نفس می‌کشد. هرچند ممکن است در ظاهر تشابه بین کتاب و این شهر در حد یک نام باشد اما می‌دانم که نویسندگان درحاشیه، آینده باشکوه داستان را خواهند ساخت.

طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب

داستان‌های این مجموعه با هم متفاوتند معیارهای شما برای انتخاب هرکدامشان در این مجموعه چه بود و کار گردآوری داستان‌ها چقدر طول کشید؟

یکی از مهمترین انگیزه‌های من برای انتخاب، کشف همین تفاوت‌هایی است که کمتر دیده و به آنها توجه می‌شود؛ تفاوت‌هایی که به فردیت خلاق نویسنده برمی‌گردد. انتخاب داستان‌ها، براساس تفاوت هرکدام‌شان با یکدیگر، تارسیدن به سرانجام چهار سال طول کشید.

آیا قبل از اینکه تصمیم به جمع‌آوری این مجموعه بگیرید داستان‌ها را خوانده بودید و بعد از خواندنشان به این فکر افتادید که این مجموعه را گردآوری کنید؟
داستان‌ها را نخوانده بودم. به اقتضای کارم که باید داستان‌های زیادی را بخوانم گاه به آثاری بر می‌خورم که اثرگذار و خاص هستند و در آنها نوآوری در سازه‌های مختلف داستانی به چشم می‌خورد و در ذهن تخم‌گذاری می‌کنند. کشف چنین داستان‌هایی برایم جذاب است. بارها و بارها آنها را در خودم مرور و با آنها زندگی و در آنها مکث می‌کنم. پس از آن است که درباره‌شان می‌نویسم. این نوشتن گاه یک هفته تا دو ماه ذهنم را به خود مشغول می‌کند و حاصل این‌ها می‌شود کتابی مثل زوزن؛ اغلب این نویسنده‌ها را تا قبل از خواندن داستانشان نمی‌شناختم و اگر هم می‌شناختم تا تمام شدن کارم آنها را در جریان نگذاشتم.

گردآوری آنتولوژی داستان در ایران مسبوق به سابقه است و شاید بشود گفت یکی از قدیمی‌ترین آنتولوژی‌های داستان ایرانی «بازآفرینی واقعیت» محمدعلی سپانلو است که قبل از انقلاب چاپ شده. از آن زمان تا امروز به نظراتان رویکرد گردآورندگان آنتولوژی داستان در ایران چه تغییراتی کرده و چه معیارهایی جایگزین معیارهای قدیمی‌تر شده است؟

قبل از «بازآفرینی واقعیت» (۱۳۴۹) به عنوان آنتولوژی و یا گلچین، به نوعی شاید بتوان کتاب «ایران» (۱۳۱۰) از صادق هدایت (شامل داستان‌های شبهای بدمستی از شین پرتو، دیو دیو از بزرگ علوی و سایه مغول از هدایت) و

همچنین کتاب‌های «لوح» از کاظم رضا را در داستان که اولین شماره‌اش سال ۱۳۴۷ منتشر شد، نام برد؛ جنگ‌هایی هم بودند که آثار داستان‌نویسان تازه‌ای چون محمود دولت‌آبادی، ناصر تقوایی و رضا دانشور در آن‌ها چاپ می‌شد. قضاوت درباره تغییر معیارهای آنتولوژی داستان بستگی به این دارد که چه کسی و با چه هدفی آنتولوژی گردآوری کرده باشد. پس از «بازآفرینی واقعیت» آنتولوژی دیگری را به خاطر ندارم تا می‌رسیم به «هشت داستان» در سال ۱۳۶۳ با مقدمه گلشیری که از آنتولوژی‌های خوب داستانی است. بعد از آن آنتولوژی‌های دیگری تا اواخر دهه ۶۰ مثل «داستان‌های نو»، «دریچه تازه»، «دریچه جنوبی»، «خوابگرد و داستان‌های دیگر» و «همیان ستارگان» منتشر شدند که هرکدام به سهم خود در معرفی نویسندگان کمتر شناخته‌شده نقش دارند. چنین کارهایی اگر با مسئولیت انجام شود کار خوب و یک نوع تعاونی است که بخشی از داستان‌نویسی ما را معرفی می‌کنند. در این سال‌ها معیار و رویکرد خاصی ندیده‌ام و تغییر آنچنانی نکرده و یا حتی بی‌خبرم، جز اینکه در بعضی از آنتولوژی‌ها به معرفی کوتاه داستان‌ها پرداخته شده که در نوع خودشان ارزنده است. از سوی دیگر به خاطر آسانی چاپ، آنتولوژی‌ها هم مثل مجموعه داستان‌ها و رمان‌ها دچار هرج و مرج شده و از این بابت کمتر انعکاسی از آن‌ها دیده می‌شود؛ مگر اینکه کار متفاوت باشد. اینکه داستان‌های خام شاگردان خود را به اسم آنتولوژی منتشر کنیم، یا هرچه را دست‌مان رسیده، یا چند تا نویسنده شناخته‌شده داخل یک کیسه بریزیم نشد آنتولوژی؛ کتاب آیین دوست‌یابی است. بی‌گمان نویسندگان کمتر شناخته شده در چنین گردآوری‌هایی در سایه نویسندگان شناخته شده قرار می‌گیرند و در میان آثاری که هم‌سطح و هم‌وزن نیستند گم می‌شوند، مگر اینکه در میان آنها داستان درخشانی باشد که بی‌شک هست.

تفاوت «زوزن» با آنتولوژی‌های دیگری که در ایران در زمینه داستان منتشر شده‌اند چیست؟
در نگاه اول شاید این کتاب یک گردآوری یا آنتولوژی (گلچین) به نظر برسد؛ اما با کمی دقت می‌توان دید که از آن فراتر می‌رود. چنانچه داستانی توجه مرا جلب کرد و در آن به نوآوری رسیدم، پس از بارها بازخوانی و مکث بر کار هر یک از داستان‌ها، با توجه به یادداشت‌ها روی هر کدام از آن‌ها بررسی‌ای در شکل و ساخت انجام دادم؛ شیوه‌ای که در کتاب «خانه سوم داستان» به کار برده شده و گمان نمی‌کنم تا حالا کسی به این صورت به داستان پرداخته باشد. در زوزن هیچ‌کدام از داستان‌ها مثل دیگری نیست و بررسی‌های هر داستان مثل خودش است. داستان‌ها و نویسندگانشان جدا از تفاوت‌های داستانی و اینکه کجای کتاب آمده باشند، هم‌سنگ و هم‌سطح هستند و چنین کاری را برای نویسندگان نسل سوم، زمانی که هنوز ابتدای کارشان بود، در کتاب «خانه سوم داستان» انجام دادم؛ کسانی که امروز از نویسندگان مطرح ما هستند. البته انتخاب و بررسی آنها با توجه به تجربه و نظر من است و هرکس می‌تواند به نسبت جایگاهی که دارد نظر خودش را داشته باشد. نهایت اینکه زوزن برای نویسندگان داستان‌ها ارتقا و یک سقف است که تنها به اتکای داستان‌هایشان دیده می‌شوند.

نویسندگان هرکدام هویت مستقل و متفاوت داستانی دارند و آنها را در کنار داستان‌نویسان شناخته‌شده قرار ندادم تا در سایه و مستعمره نام‌های شناخته‌شده و مشهور قرار گیرند.

آیا در داستان‌های این کتاب در عین تفاوت‌های بیششان ویژگی‌های مشترکی هم دیدید؟
هم‌سطح بودن نویسندگان ضمن آن‌که هرکدام شخصیت مستقل داستانی دارند. نوآوری در کارها هم از ویژگی‌های مشترک نویسندگان و داستان‌هاست. اما مهم‌ترین ویژگی داستان‌ها، صداهای متفاوتی است که زوزن آن را کانونی

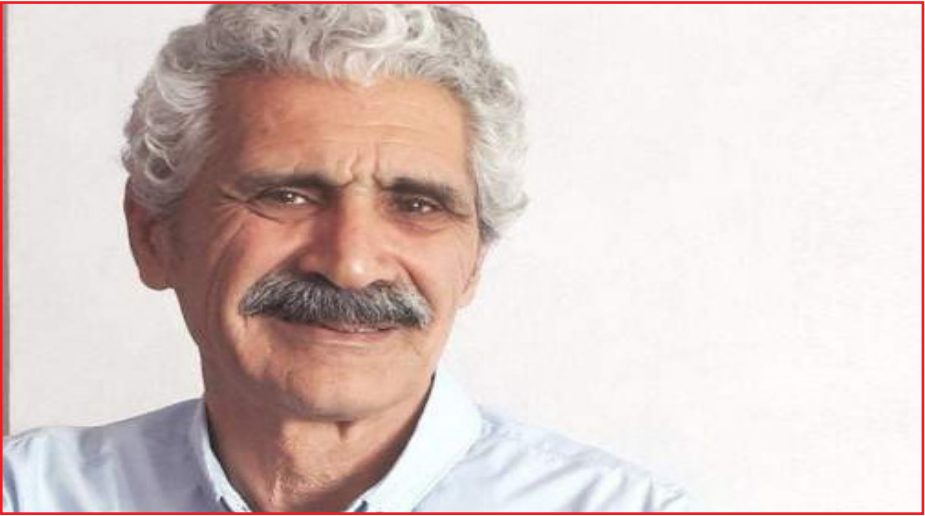
اتفاقات جالب و بعضاً خنده‌داری می‌کند که می‌تواند برای مخاطب کودک جذاب و خواندنی باشد.

محسن محمدی در مقام نویسنده کوشیده است تا در ورای روایت قصه این دو برادر و تلاش‌های صادقانه و معصومانه برای بهبود حال پدر جانبازشان، علاوه بر خلق موقعیت‌های طنز، کودکان را با مفاهیمی همچون فلسفه زیارت، توسل به ائمه اطهار و سیره امام رضا علیه‌السلام آشنا کند.

در بخشی از رمان «دوقلوها و غذای بهشتی» می‌خوانیم: «خنکای سنگ‌های مرمر حرم، کف پای بچه‌ها را قفلک می‌داد. جواد و هادی با لذت دیوارها و سقف آینه‌کاری

یک داستان‌نویس و منتقد ادبی:

نویسندگان در حاشیه، آینده باشکوه داستان را خواهند ساخت



می‌کند و این ارتقاعی برای نویسندگان داستان‌هاست.

در مقدمه کتاب از زبان امروز در داستان سخن گفته‌اید و تفاوت آن با زبان کهن و گسست نویسندگان امروز از ادبیات کلاسیک. آیا به نظر شما داستان امروز لزوماً باید با زبان رایج امروز نوشته شود و زبان ادبیات کلاسیک به هیچ شکل به درد داستان معاصر نمی‌خورد و نمی‌تواند به نویسندگان معاصر کمک کند؟

وقتی از زبان نسل امروز صحبت می‌شود، مقصود تنها زبان معیار نیست. منظور، مجموع برآیند رفتار، کردار و گفتار نسل امروز است که تجربه و جهان‌بینی خودش را دارد؛ تجربه‌ای که در زندگی و ادبیات دیده می‌شود. منظور من زبانی است که نسل امروز را از نسل‌های قبل متفاوت می‌کند. توجه داشته باشیم که زبان هر نسلی برآیند رفتار و کردار و طرز نگاه و تجربه‌های آن نسل به جهان و هستی است. برای نمونه نسل من جدا از آنکه چه جایگاهی دارد، زبان متفاوتی با نویسندگان گذشته چون احمد محمود، دولت‌آبادی و گلشیری دارد. هرکدام زبان و دستور زبان و جهان‌بینی خودمان را داریم که به بسیاری عوامل وابسته است. برای نمونه منی که از روستا و یا از شهر می‌نویسم با احمد محمود و گلشیری و دولت‌آبادی تفاوت دارم؛ زبان نسل من، ما را از آنها جدا می‌کند. نویسندگان امروز هم همین طور هستند؛ نگاهشان در داستان به جهان و هستی با نسل من یکی نیست؛ فارسی‌شان با فارسی معیار و فارسی نسل‌های قبل در اصطلاحات و دستور زبان، متفاوت است و این تفاوت را در محتوا و ساخت آثارشان هم می‌بینیم. بپذیریم یا نپذیریم این اتفاق در رفتار، کردار و گفتارشان که زبان آنهاست دیده می‌شود. این به معنی نفی گذشته زبان که موجودی زنده است، نیست و در ادامه و تکامل آن است؛ هم‌چنان حضور و تأثیر شاهنامه، سند سترگ زبان کهن فارسی را، در امروز شاهدیم. زبان ادبیات کلاسیک، هویت و شناسنامه فرهنگی ماست و جایگاه خودش را دارد و بسته به اینکه در چه موقعیتی به کار گرفته شود، می‌تواند کاربرد داشته باشد. «شغادنامه» در همین کتاب هرچند در موضوع از ادبیات کلاسیک بهره می‌برد، اما در ایجاز که یکی از مختصات داستان امروز است، ساخت خود را شکل می‌دهد و در هرکدام از داستان‌های دیگر کتاب هم به نوعی زبان امروز دیده می‌شود.

میزان آشنایی نویسندگان امروز را با ادبیات کلاسیک چطور می‌بینید؟

جدا از فراز و فرودها هرکدام به نسبت خود با ادبیات کلاسیک که هویت فرهنگی ماست ارتباط دارند.

لطفاً درباره نقدهایی هم که بر داستانهای کتاب نوشته‌اید توضیح دهید. در مقدمه توضیح داده‌اید که در نقد هر داستان به آنچه خود آن داستان می‌گوید و ارائه می‌دهد نظر داشته‌اید و به ویژگی‌های خاص آن داستان، چه مثبتی در این نوع نقد می‌بینید؟
به بررسی‌هایی که روی داستان‌ها انجام دادم به نوعی نمی‌شود گفت نقد. نقد تعریف خودش را دارد و کار من چه در این اثر و یا کارهای دیگرم در این نوع، بررسی شکل و ساخت است و به محتوا نمی‌پردازم. استاندارد به خود داستان و داده‌های آن برایم مهم است. البته داستان باید شایستگی داشته باشد که به آن نور ینابالم تا خواننده یا چراغ روشن به داستان قدم بگذارد. قضاوت، تعیین تکلیف و یا حکم برای خواننده صادر نمی‌کنم؛ به او آزادی می‌دهم تا برداشت روشن‌تر خودش را داشته باشد و زیر سیطره نظر من قرار نگیرد. ارجاعات بیرونی و پیرامونی ندارم و از نظریه استفاده نمی‌کنم. به حاشیه نمی‌روم و داستان را در متن خودم خفه نمی‌کنم. در این بررسی‌ها «من» غایب است و شما یا آن‌چه خود داستان می‌گوید مواجهید.

چهارشنبه ۳ دی ماه ۱۴۰۴ – سال نوزدهم – شماره ۳۴۷۰

این روزها داستان ایرانی کم‌مخاطب شده و ناشران کمتر از گذشته سراغ انتشار داستان ایرانی می‌روند. دلیلش چیست؟

سرچشمه اصلی‌اش به نویسنده برمی‌گردد؛ بارها و بارها تکرار و باز تکرار می‌کنم که نویسنده باید حرفی برای گفتن داشته باشد و صدایش در خانه، مدرسه، شهر، کشور، جهان و تاریخ شنیده شود. نویسنده به تجربه، جهان‌بینی، تیزهوشی، خلاقیت و پشتکار نیاز دارد و به اضافه اینها نویسنده‌ای علم است و باید آن را آموخت. نویسنده‌ای که دو داستان ننوشته، با اعتمادبه‌نفس کاذب شده مدرس داستان‌نویسی و مدعی ادبیات و کسی را هم قبول ندارد و حاصل کارش می‌شود همین دل‌نوشته و خاطره‌نویسی‌های خنثی که نتیجه‌اش ۱۰۰ و ۲۰۰ نسخه در جمعیت نزدیک به ۹۰ میلیون نفر است. از سوی دیگر برخی از نویسندگان ویروس نوشتن و انتشار گرفته‌اند؛ نویسنده‌ای با چاپ ۲۰ و چند کتاب خودش را به هر دری برای دیده شدن می‌زند و با ناشر مشهوری ارتباط پیدا می‌کند، عضو کانون می‌شود، به جوایز ادبی نزدیک می‌شود و هر روز جلسه و لایو می‌گذارد، جایزه راه می‌اندازد، داور می‌شود، کلاس تشکیل می‌دهد و باز هم دیده نمی‌شود. چنین نویسندگانی اگر بالای قله اورست هم بروند، دیده نخواهند شد. بارها گفته‌ام که فردوسی، خیام (زبایعات)، حافظ و دیگرانی که با یک کتاب از جغرافیا و تاریخ عبور کردند و همه‌زمانی شدند، کسانی هستند که در زمان خودشان نه ناشر مشهوری بود، نه جایزه و نه کلاس نویسنده‌گی. به گزارش دبیرخانه جایزه مهرگان ادب، در دوره ۲۳ و ۲۴ این جایزه، مربوط به سال‌های ۱۴۰۰–۱۴۰۱، تعداد ۱۸۴۹ کتاب شرکت کرده که سهم هر سال می‌شود ۹۲۴ کتاب؛ فاجعه است که تعداد نویسندگان داستان چند برابر خوانندگان است و اگر این نویسندگان حتی کتاب‌های خودشان را بخوانند تیراژ کتاب بالا می‌رود. در هیچ دوره ای مثل امروز ادبیات، به‌خصوص داستان، این همه تحقیر نشده است. به‌جز نویسنده، عوامل دیگری از جمله ناشر، مراکز پخش، مطبوعات، جوایز، کلاس‌های داستان‌نویسی و دولت نقش مهمی در به وجود آمدن این بحران دارند.

وضعیت استقبال از آنتولوژی‌های داستان در این سالها نسبت به گذشته چگونه بوده است؟

بستگی دارد که چه کسی و در چه موقعیتی انتخاب شده باشد. اما فراموش نباید کرد که این مورد هم از دیگر مسائل جامعه نظیر خشکسالی، نبودن هوا برای تنفس و سایر بحران‌ها جدا نیست. خشکیدن زاینده‌رود را می‌بینیم. آنتولوژی و داستان امروز هم دچار چنین وضعیت است، اما کسی خشکیدن فرهنگی در تیراژ کتاب‌ها را نمی‌خواهد ببیند.

در چند داستان این مجموعه مثل درکمال پرتقال، زندگی سگی و عطر با مسخ شدگی مواجهیم. آیا این به علاقه شخصی شما برمی‌گردد؟

اولین چیزی که در این داستان‌ها جلب توجه می‌کند، آشنایی‌زبایی است و هر سه از داستان‌های خوب اما متفاوت زوزن هستند؛ داستان‌هایی که حاصل زیست امروز ما در دوران مدرن و سادامدرن است. در چنین شرایطی انسان به استعاره تبدیل می‌شود و او را در یک عدد چند رقمی بدون بو و خاصیت فریز می‌کنند و هویت از او گرفته می‌شود. این داستان‌ها آینه موقعیت جامعه امروز از زاویه‌های گوناگون است و از خود بیگانگی و گمشدگی را که به آنها خو گرفته‌ایم در این داستان‌ها مشاهده می‌کنیم. انتخاب آن‌ها تنها به علاقه شخصی من بر نمی‌گردد. آنها داستان‌هایی هستند که جدا از آشنایی‌زبایی، از سطح گذشته و عمق دارند و نویسندگان آنها در شکل‌های متفاوت درک عمیقی از زندگی امروز دارند. داستان‌ها نه تنها در فرم که در درون‌مایه از روایت‌های سنتی مدرن فاصله می‌گیرند.

به نظر شما آنتولوژی‌های داستان چقدر و چگونه می‌توانند در آشنا کردن مخاطبان با داستان امروز ایران نقش ایفا کنند و کمی به بازار انتشار داستان رونق بدهند؟ آیا تاکنون در این زمینه موفق بوده‌اند؟
اینکه چه کسی، چگونه، با چه هدف و در چه موقعیتی چنین آثاری را انتخاب می‌کند، مهم است. از طرفی به داستان هم بستگی دارد. از بسیاری از آنتولوژی‌ها، به خاطر انتخاب‌های نادرست، هیچ نامی باقی نمانده است و برخی از آنها هم عکس گرفتن کنار بزرگان است. با تمام اینها، آنتولوژی یک نوع تعاونی داستانی است و در شناساندن نویسندگان به یکدیگر و جامعه خیلی مؤثر است. نویسنده هر داستان ضمن آنکه با کار دیگران آشنا می‌شود، دیگران هم او را می‌بینند؛ بسیاری از داستان‌نویسان را در همین کتاب‌ها شناختم. / آیینا

«دوقلوها و غذای بهشتی» به بازار کتاب آمد

هستید و «باران برکت» عنوان کتاب‌هایی است که پیش از «دوقلوها و غذای بهشتی» توسط این نویسنده در حوزه ادبیات داستانی به رشته نگارش درآمد و روانه بازار کتاب شده‌اند.

رمان «دوقلوها و غذای بهشتی» را نشر سرو (وابسته به موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس) در شمارگان ۲۸۰ نسخه و به بهای ۱۴۰ هزار تومان منتشر کرده است.

تجلیل از «کتاب‌اولی»‌های نوجوان در دومین ویژه‌برنامه تجلیل از نویسندگان

طرح نو؛ گروه فرهنگ و هنر در دومین ویژه‌برنامه «کتاب اولی‌ها» که با مشارکت اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی آذربایجان شرقی و شهرداری فرهنگی تاریخ منطقه ۸ تبریز برگزار شد، از ۱۲ نویسنده نوجوان که نخستین اثر خود را در حوزه کتاب منتشر کرده‌اند، تجلیل شد.

در این آیین محمدحسین چمپیده‌فر رئیس اداره امور فرهنگی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان طی سخنانی بر اهمیت مطالعه و کتابخوانی جهت افزایش محتوای آثار نویسندگان نوجوان و جوان تاکید کرد. وی گفت: اهالی فرهنگ و قلم و نویسندگان در هر جامعه‌ای از جایگاه ویژه‌ای برخوردار هستند و می‌توانند با قلم خود اتفاقات مبارکی را رقم بزنند و امیدواریم جوانان و نوجوانان نویسنده نیز در تبریز که شهر اولین‌هاست اتفاقات خوبی را در عرصه نویسندگی و تولید محتوا رقم بزنند.

در این مراسم که با حضور جمعی از مدیران فرهنگی، خانواده‌ها و علاقه‌مندان کتاب برگزار شد، نویسندگان خردسال و نوجوان که برای نخستین‌بار آثار خود را به چاپ رسانده‌اند، مورد تجلیل قرار گرفتند. بر اساس جدول معرفی آثار، کتاب‌های «قهرمانان دره صلح» نوشته محمدفرهام زوارقی، «باغچه خرگوش» اثر سعید پیرعلیلو، «پسر مرتب» نوشته ابوالفضل حیدرنژاد، «خرگوش نجار» از یاسین کرم‌پور و «سربازان شجاع» نوشته علی‌اصغر بابرامی با نشر «گل همیشه‌بهار» از جمله آثار تجلیل‌شده در این ویژه‌برنامه بود. همچنین کتاب‌های «روپاه در مزرعه» نوشته علی‌اکبر اسمعیلی از انتشارات گل همیشه‌بهار، «از بر علی حاجوی دهقان فداکار» اثر ایلیا چهره‌گشا از انتشارات ندای سهند و «سه کتاب هدادان» نوشته صانع شادانم از انتشارات حکیم نظامی گنجوی، در فهرست تجلیل‌شدگان قرار داشت.

در این آیین همچنین چهار ناشری که این کتابها را به چاپ رسانده بودند به بیان نقطه نظرات و دغدغه‌های خود در رابطه با مسائل حوزه چاپ و نشر پرداختند.

در بخشی از لوح سپاس اهدایی به نویسندگان نوجوان، با اشاره به جایگاه والای اندیشه و نوشتن در اعتلای فرهنگ عمومی، از تلاش این نویسندگان در عرصه نگارش و ترویج کتاب‌خوانی قدردانی شده است

شناسه آگهی: ۲۰۷۹۱۲۶	روزنامه طرح نو	شناسه آگهی: ۲۰۶۷۵۵۱	روزنامه طرح نو
شماره نامه: ۱۴۰۴۸۵۶۰۴۱۶۰۳۰۲۵ <p>تاریخ ارسال نامه: ۱۴۰۴/۱۰/۰۱</p> <p>آگهی فقدان سند مالکیت</p> <p>شش‌دانگ یک قطعه آپارتمان مسکونی وضعیت خاص طلق با کاربری به پلاک ثبتی ۳۳۰۲ فرعی از ۲۰۱۹ اصلی ، مفروز و مجزا شده از ۳۰۰۵ فرعی از اصلی مذکور ، قطعه ۳ در طبقه ۲ واقع در بخش ۱۰ تبریز به مساحت ۶۶.۷۶ متر مربع که مقدار سه متر مربع و پنج دسیمتر مربع آن پیش‌فکگی، است بنام هستی آسفی پور باسمنج فرزند علی شماره شناسنامه ۱۳۶۱۸۸۴۷۸۹ تاریخ تولد:۱۳۷۵/۰۳/۱۳ صادره از تبریز دارای شماره ملی ۱۳۶۱۸۸۴۷۸۹ با عنوان ملک شش دانگ عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت ۷۵۱۲۷ تاریخ ۱۴۰۳/۱۰/۰۹ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۱۹۵ شهر تبریز استان آذربایجان شرقی، موضوع سند مالکیت اصلی بشماره چاپی ۲۶۷۶۲۲ سری الف شماره ۰۳ با شماره</p>	شماره : ۱۴۰۴۶۰۳۰۴۱۶۰۳۶۱۴۵ <p>تاریخ : ۱۴۰۴/۰۹/۱۶</p> <p>هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی (نوبت اول)</p> <p>آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۳۰۲۶۱۴۵/۳۰۴۰۳۰۴۱۶۰۳۰۲۲۱۵ هیات اول/ دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک خسروشهر تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای بیژن بارانلو به شناسنامه شماره ۵۶۷۷ کدملی ۱۷۰۸۸۸۴۵۱۳ صادره فرزند نادر در شش‌دانگ یک قطعه زمین زراعی (بدون مستحذات قانونی به اعلام اداره جهاد کشاورزی) به مساحت ۱۳۰۴ متر مربع مفروزی</p>	شماره : ۱۴۰۴۶۰۳۰۴۱۶۰۳۶۱۴۵ <p>تاریخ : ۱۴۰۴/۰۹/۱۶</p> <p>هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی (نوبت اول)</p> <p>آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۳۰۲۶۱۴۵/۳۰۴۰۳۰۴۱۶۰۳۰۲۲۱۵ هیات اول/ دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک خسروشهر تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای بیژن بارانلو به شناسنامه شماره ۵۶۷۷ کدملی ۱۷۰۸۸۸۴۵۱۳ صادره فرزند نادر در شش‌دانگ یک قطعه زمین زراعی (بدون مستحذات قانونی به اعلام اداره جهاد کشاورزی) به مساحت ۱۳۰۴ متر مربع مفروزی</p>	شماره نامه: ۱۴۰۴۸۵۶۰۴۱۶۰۳۰۲۵ <p>تاریخ ارسال نامه: ۱۴۰۴/۱۰/۰۱</p> <p>آگهی فقدان سند مالکیت</p> <p>شش‌دانگ یک قطعه آپارتمان مسکونی وضعیت خاص طلق با کاربری به پلاک ثبتی ۳۳۰۲ فرعی از ۲۰۱۹ اصلی ، مفروز و مجزا شده از ۳۰۰۵ فرعی از اصلی مذکور ، قطعه ۳ در طبقه ۲ واقع در بخش ۱۰ تبریز به مساحت ۶۶.۷۶ متر مربع که مقدار سه متر مربع و پنج دسیمتر مربع آن پیش‌فکگی، است بنام هستی آسفی پور باسمنج فرزند علی شماره شناسنامه ۱۳۶۱۸۸۴۷۸۹ تاریخ تولد:۱۳۷۵/۰۳/۱۳ صادره از تبریز دارای شماره ملی ۱۳۶۱۸۸۴۷۸۹ با عنوان ملک شش دانگ عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت ۷۵۱۲۷ تاریخ ۱۴۰۳/۱۰/۰۹ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۱۹۵ شهر تبریز استان آذربایجان شرقی، موضوع سند مالکیت اصلی بشماره چاپی ۲۶۷۶۲۲ سری الف شماره ۰۳ با شماره</p>
تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۰/۰۳ <p>روز چهار شنبه</p>	تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۱۰/۰۳ <p>تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۰/۲۰</p>	تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۱۰/۰۳ <p>تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۰/۲۰</p>	تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۱۰/۰۳ <p>تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۰/۲۰</p>
علی نصرتی <p>مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک خسروشهر</p>	صمد خاکپور اقدام <p>رئیس ثبت اسناد و املاک شهبستر</p>	صمد خاکپور اقدام <p>رئیس ثبت اسناد و املاک شهبستر</p>	صمد خاکپور اقدام <p>رئیس ثبت اسناد و املاک شهبستر</p>

مفقودی
اصل سند کارخانه و برگ سبز سواری پیکان تپ ۱۶۰۰ کدل ۱۳۷۹ به رنگ سفید – روغنی به شماره موتور ۱۱۱۲۷۹۱۸۵۷۷ شماره شاسی ۰۰۷۹۴۱۷۳۶۵ و شماره انتظامی ۲۵– ۱۹۷ ج ۱۹ بنام آقای حسن جدایی با کد ملی ۱۵۸۲۹۰۲۱۲۷ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

شناسه آگهی: ۲۰۷۸۴۴۰	روزنامه طرح نو
شماره: ۱۰۴/۴/۸۹۶ <p>تاریخ: ۱۴۰۴/۰۹/۲۶</p> <p>آگهی تحدید حدود اختصاصی</p> <p>تحدید حدود قسمتی از پلاکهای ذیل واقع در بخش ۲۰ تبریز که مطابق ماده ۱۴ قانون ثبت اسناد و املاک سابقه تحدید حدود ندارند طبق این آگهی به اطلاع عموم آگهی می گردد.</p> <p>آگهی از قریه کرد احمد علیا پلاک ۴۶ – اصلی بخش ۲۰ – تبریز</p> <p>۱- پلاک ۱۴۶/۴۶- اصلی آقای جواد جبرئیلی فرزند صمد شش‌دانگ یک قطعه باغ</p> <p>۲- پلاک ۱۱۲۷/۴۶- اصلی آقای جواد جبرئیلی فرزند صمد شش‌دانگ یک قطعه باغ</p> <p>روز دوشنبه مورخه ۱۴۰۴/۱۱/۲۰ ساعت ۱۰ صبح</p> <p>آگهی از قریه مرده کتان پلاک ۶۴ – اصلی بخش ۲۰ – تبریز</p> <p>۳- پلاک ۶۴/۳۲۱- اصلی آقای اسداله نعمتی قوتانلو فرزند بجان شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی</p> <p>روز سه شنبه مورخه ۱۴۰۴/۱۰/۳۰ ساعت ۱۰ صبح</p> <p>آگهی از قریه کر نگاه پلاک ۷۵ – اصلی بخش ۲۰ – تبریز</p> <p>۴- پلاک ۷۵/۱۳۵/۵۲۴- اصلی خانم زهرا میرزازاده فرزند محمد شش‌دانگ یک قطعه باغ</p> <p>۵- پلاک ۷۵/۲۲/۵۲۵- اصلی آقای ناصر میرزازاده فرزند علی اکبر شش‌دانگ یک قطعه</p>	زمین مزروعی

شناسه آگهی: ۲۰۶۴۲۶۹	روزنامه طرح نو
شماره : ۱۴۰۴۶۰۳۰۴۱۶۰۳۰۲۵۶۴۴ <p>تاریخ : ۱۴۰۴/۰۹/۱۱</p> <p>هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی (نوبت دوم)</p> <p>آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۴۱۶۰۳۰۲۴۲۲۱ و ۱۴۰۴۶۰۳۰۴۱۶۰۳۰۲۴۲۲۱ دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهبستر تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم/ آقای جواد باباسی اسکویی فرزند حسین بشماره شناسنامه ۴۳۷۴۹ صادره از در شش‌دانگ یک درب باغ بادام (بادام زار) به مساحت ۳۹۶۵.۰۳ متر مربع مفروز و مجزا شده از سنگ ۱۴- اصلی واقع در باغ وزیر از بخش ۱۶- شهرستان تبریز واقع در آذربایجان شرقی بخش حوزه ثبت ملک شش‌دانگ یک درب باغ انگور (موزار) به مساحت ۵۳۰.۲۰ متر مربع مفروز و مجزا شده از پلاک فرعی از سنگ ۱۴- اصلی واقع در باغ</p>	وزیر از بخش ۱۶- شهرستان تبریز واقع در آذربایجان شرقی بخش حوزه ثبت ملک شهبستر و شش‌دانگ یک قطعه باغ (پسته‌زار) به مساحت ۵۹۴.۶۰ متر مربع مفروز و مجزا شده از پلاک اراضی مشاعی فرعی از سنگ ۱۴- اصلی واقع در باغ وزیر از بخش ۱۶ شهرستان واقع در آذربایجان شرقی بخش حوزه ثبت ملک شهبستر محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۹/۱۷ <p>تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۰/۰۳</p>	صمد خاکپور اقدام <p>رئیس ثبت اسناد و املاک شهبستر</p>

شناسه آگهی: ۲۰۶۴۲۷۶	روزنامه طرح نو
شماره : ۱۴۰۴۶۰۳۰۴۱۶۰۳۰۲۵۶۴۵ <p>تاریخ : ۱۴۰۴/۰۹/۱۱</p> <p>هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی (نوبت دوم)</p> <p>آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۴۱۶۰۳۰۲۳۹۰۲ و ۱۴۰۴۶۰۳۰۴۱۶۰۳۰۲۳۹۰۲ دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهبستر تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم/ آقای یعقوب سعادتیا یاغی فرزند عینعلی بشماره شناسنامه ۱۲۷ صادره از در شش‌دانگ یک درب موزار به مساحت ۲۶۹.۲۹ مترمربع مفروز و مجزا شده از پلاک اراضی مشاعی فرعی از سنگ ۱۴- اصلی واقع در باغ</p>	وزیر از بخش ۱۶ شهرستان تبریز واقع در آذربایجان شرقی بخش حوزه ثبت ملک شهبستر و شش‌دانگ یک قطعه باغ (پسته‌زار) به مساحت ۵۹۴.۶۰ متر مربع مفروز و مجزا شده از پلاک اراضی مشاعی فرعی از بخش ۱۶ شهرستان واقع در آذربایجان شرقی بخش حوزه ثبت ملک شهبستر محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۹/۱۷ <p>تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۰/۰۳</p>	صمد خاکپور اقدام <p>رئیس ثبت اسناد و املاک شهبستر</p>

شناسه آگهی: ۲۰۷۹۶۳۵	روزنامه طرح نو
شماره نامه: ۱۴۰۴۸۵۶۰۴۱۷۱۰۰۸۹۹۹ <p>تاریخ ارسال نامه: ۱۴۰۴/۰۹/۳۰</p> <p>آگهی موضوع تبصره یک ماده ۱۲۰ – آئین نامه قانون ثبت</p> <p>بشرح سیستم جامع املاک یک قطعه خانه وضعیت خاص طلق با کاربری مسکونی به پلاک ثبتی ۱ فرعی از ۳۴۵۱ اصلی، مفروز و مجزا شده از ۰ فرعی از اصلی مذکور ، قطعه ۱ در طبقه و واقع در بخش ۳ ناحیه .. حوزه ثبت ملک منطقه شمال تبریز استان آذربایجان شرقی به مساحت ۴۲۵.۹۱ متر مربع بنام مهدی دیاغی فرزند علی اصغر شماره شناسنامه ۴۵۷۳۳ تاریخ تولد:۱۳۱۵/۱۱/۰۷ صادره از تبریز دارای شماره ملی ۱۳۷۱۵۴۰۲۴۱ با جز سهم ۱.۵ از کل سهم ۶ بعنوان مالک یک میزب پنج دهم دانگ مشاع از شش دانگ عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت ۳۹۲۲۷ تاریخ:۱۴۰۴/۰۸/۰۵ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۱۷۱ شهر تبریز استان آذربایجان‌شرقی، ثبت گردیده است. توضیح اینکه شش‌دانگ پلاک بنام آقای مهدی دیاغی بوده و سپس نامبرده فوت و مقدار ۴.۵ دانگ مشاع از شش‌دانگ از طرف وراث به غیر از آقای محمد باقر دیاغی به آقای مهدی صفری بموجب سند شماره ۳۹۲۲۷ تاریخ ۱۴۰۴/۰۸/۰۵ دفتر</p>	شماره نامه: ۱۴۰۴۸۵۶۰۴۱۷۱۰۰۸۹۹۹ <p>تاریخ ارسال نامه: ۱۴۰۴/۰۹/۳۰</p> <p>آگهی موضوع تبصره یک ماده ۱۲۰ – آئین نامه قانون ثبت</p> <p>بشرح سیستم جامع املاک یک قطعه خانه وضعیت خاص طلق با کاربری مسکونی به پلاک ثبتی ۱ فرعی از ۳۴۵۱ اصلی، مفروز و مجزا شده از ۰ فرعی از اصلی مذکور ، قطعه ۱ در طبقه و واقع در بخش ۳ ناحیه .. حوزه ثبت ملک منطقه شمال تبریز استان آذربایجان شرقی به مساحت ۴۲۵.۹۱ متر مربع بنام مهدی دیاغی فرزند علی اصغر شماره شناسنامه ۴۵۷۳۳ تاریخ تولد:۱۳۱۵/۱۱/۰۷ صادره از تبریز دارای شماره ملی ۱۳۷۱۵۴۰۲۴۱ با جز سهم ۱.۵ از کل سهم ۶ بعنوان مالک یک میزب پنج دهم دانگ مشاع از شش دانگ عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت ۳۹۲۲۷ تاریخ:۱۴۰۴/۰۸/۰۵ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۱۷۱ شهر تبریز استان آذربایجان‌شرقی، ثبت گردیده است. توضیح اینکه شش‌دانگ پلاک بنام آقای مهدی دیاغی بوده و سپس نامبرده فوت و مقدار ۴.۵ دانگ مشاع از شش‌دانگ از طرف وراث به غیر از آقای محمد باقر دیاغی به آقای مهدی صفری بموجب سند شماره ۳۹۲۲۷ تاریخ ۱۴۰۴/۰۸/۰۵ دفتر</p>

شناسه آگهی: ۲۰۷۸۴۹۷	روزنامه طرح نو
شماره : ۱۴۰۴۶۰۳۰۴۱۶۰۳۰۹۶۸۷ <p>تاریخ : ۱۴۰۴/۰۹/۳۰</p> <p>هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی (نوبت اول)</p> <p>آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین و تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۳۰۲۶۱۴۵/۳۰۴۰۳۰۴۱۶۰۳۰۲۶۱۴۵ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک خسروشهر تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای بیژن بارانلو به شناسنامه شماره ۵۶۷۷ کدملی ۱۷۰۸۸۸۴۵۱۳ صادره فرزند نادر در شش‌دانگ یک قطعه زمین زراعی (بدون مستحذات قانونی به اعلام اداره جهاد کشاورزی) به مساحت ۱۳۰۴ متر مربع مفروزی</p>	شماره : ۱۴۰۴۶۰۳۰۴۱۶۰۳۰۹۶۸۷ <p>تاریخ : ۱۴۰۴/۰۹/۳۰</p> <p>هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی (نوبت اول)</p> <p>آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین و تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۳۰۲۶۱۴۵/۳۰۴۰۳۰۴۱۶۰۳۰۲۶۱۴۵ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک خسروشهر تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای بیژن بارانلو به شناسنامه شماره ۵۶۷۷ کدملی ۱۷۰۸۸۸۴۵۱۳ صادره فرزند نادر در شش‌دانگ یک قطعه زمین زراعی (بدون مستحذات قانونی به اعلام اداره جهاد کشاورزی) به مساحت ۱۳۰۴ متر مربع مفروزی</p>

شناسه آگهی: ۲۰۷۸۶۶۰	روزنامه طرح نو
شماره نامه: ۱۴۰۴۸۵۶۰۴۱۷۰۰۸۰۲۲ <p>تاریخ ارسال نامه: ۱۴۰۴/۱۰/۰۱</p> <p>آگهی موضوع تبصره یک ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت</p> <p>شش‌دانگ عرصه و اعیان یک واحد آپارتمان مسکونی تحت پلاک ۷۰۳۸ فرعی از ۳۲ اصلی واقع در سهند بخش ۱۴ تبریز بنام خانم عادلہ طوری خلجانی تحت سریال ۲۰۶۵۸۱ سند صادر شده است. حال ملک با ارائه مدارک و برگ استشهاد محلی بشرح درخواست وارده به شماره ۱۴۰۴۲۱۷۰۴۰۱۷۰۲۰۱۰۵ مورخه ۱۴۰۴/۹/۱۷ مدعی فقدان سند مالکیت مزبور در اثرجابجائی شده و تقاضای صدور سند مالکیت المثنی را نموده است. مراتب در اجرای تبصره یک ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت در یک نوبت در یکی از روزنامه کثیرالانتشار آگهی می‌شود تا هرکس</p>	شماره نامه: ۱۴۰۴۸۵۶۰۴۱۷۰۰۸۰۲۲ <p>تاریخ ارسال نامه: ۱۴۰۴/۱۰/۰۱</p> <p>آگهی موضوع تبصره یک ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت</p> <p>شش‌دانگ عرصه و اعیان یک واحد آپارتمان مسکونی تحت پلاک ۷۰۳۸ فرعی از ۳۲ اصلی واقع در سهند بخش ۱۴ تبریز بنام خانم عادلہ طوری خلجانی تحت سریال ۲۰۶۵۸۱ سند صادر شده است. حال ملک با ارائه مدارک و برگ استشهاد محلی بشرح درخواست وارده به شماره ۱۴۰۴۲۱۷۰۴۰۱۷۰۲۰۱۰۵ مورخه ۱۴۰۴/۹/۱۷ مدعی فقدان سند مالکیت مزبور در اثرجابجائی شده و تقاضای صدور سند مالکیت المثنی را نموده است. مراتب در اجرای تبصره یک ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت در یک نوبت در یکی از روزنامه کثیرالانتشار آگهی می‌شود تا هرکس</p>

شناسه آگهی: ۲۰۷۸۴۰۷	روزنامه طرح نو
شماره نامه: ۱۴۰۴۸۵۶۰۴۱۰۰۰۸۹۹۷ <p>تاریخ ارسال نامه: ۱۴۰۴/۰۹/۳۰</p> <p>آگهی فقدان سند مالکیت</p> <p>سند مالکیت شش دانگ پلاک۴۲۵۵/۷۷- اصلی واقع در اهر بخش ۲۰ تبریز در دفتر جلد ۱۴۴ صفحه ۴۰ ذیل ۲۹۹۰۳ به نام آقای شکر علی حاجی ثبت و صادر گردیده، مالک با ارائه استشهادیه محلی به انضمام درخواست وارده شماره ۸۸۷۶- ۱۴۰۴/۹/۲۵ با ادعای فقدان سند مالکیت مزبور در اثر نامعلوم تقاضای صدور سند مالکیت المثنی نسبت به پلاک اخیر نموده، این اداره در اجرای ماده ۱۲۰- اصلاح مواردی از آئین نامه قانون ثبت و تبصره های ذیل آن اقدام به انتشار آگهی فقدان نموده لذا هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله ای انجام</p>	شماره نامه: ۱۴۰۴۸۵۶۰۴۱۰۰۰۸۹۹۷ <p>تاریخ ارسال نامه: ۱۴۰۴/۰۹/۳۰</p> <p>آگهی فقدان سند مالکیت</p> <p>سند مالکیت شش دانگ پلاک۴۲۵۵/۷۷- اصلی واقع در اهر بخش ۲۰ تبریز در دفتر جلد ۱۴۴ صفحه ۴۰ ذیل ۲۹۹۰۳ به نام آقای شکر علی حاجی ثبت و صادر گردیده، مالک با ارائه استشهادیه محلی به انضمام درخواست وارده شماره ۸۸۷۶- ۱۴۰۴/۹/۲۵ با ادعای فقدان سند مالکیت مزبور در اثر نامعلوم تقاضای صدور سند مالکیت المثنی نسبت به پلاک اخیر نموده، این اداره در اجرای ماده ۱۲۰- اصلاح مواردی از آئین نامه قانون ثبت و تبصره های ذیل آن اقدام به انتشار آگهی فقدان نموده لذا هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله ای انجام</p>

شناسه آگهی: ۲۰۷۸۴۴۰	روزنامه طرح نو
شماره: ۱۰۴/۴/۸۹۶ <p>تاریخ: ۱۴۰۴/۰۹/۲۶</p> <p>آگهی تحدید حدود اختصاصی</p> <p>تحدید حدود قسمتی از پلاکهای ذیل واقع در بخش ۲۰ تبریز که مطابق ماده ۱۴ قانون ثبت اسناد و املاک سابقه تحدید حدود ندارند طبق این آگهی به اطلاع عموم آگهی می گردد.</p> <p>آگهی از قریه کرد احمد علیا پلاک ۴۶ – اصلی بخش ۲۰ – تبریز</p> <p>۱- پلاک ۱۴۶/۴۶- اصلی آقای جواد جبرئیلی فرزند صمد شش‌دانگ یک قطعه باغ</p> <p>۲- پلاک ۱۱۲۷/۴۶- اصلی آقای جواد جبرئیلی فرزند صمد شش‌دانگ یک قطعه باغ</p> <p>روز دوشنبه مورخه ۱۴۰۴/۱۱/۲۰ ساعت ۱۰ صبح</p> <p>آگهی از قریه مرده کتان پلاک ۶۴ – اصلی بخش ۲۰ – تبریز</p> <p>۳- پلاک ۶۴/۳۲۱- اصلی آقای اسداله نعمتی قوتانلو فرزند بجان شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی</p> <p>روز سه شنبه مورخه ۱۴۰۴/۱۰/۳۰ ساعت ۱۰ صبح</p> <p>آگهی از قریه کر نگاه پلاک ۷۵ – اصلی بخش ۲۰ – تبریز</p> <p>۴- پلاک ۷۵/۱۳۵/۵۲۴- اصلی خانم زهرا میرزازاده فرزند محمد شش‌دانگ یک قطعه باغ</p> <p>۵- پلاک ۷۵/۲۲/۵۲۵- اصلی آقای ناصر میرزازاده فرزند علی اکبر شش‌دانگ یک قطعه</p>	زمین مزروعی

لذا بدینوسیله کسانی که اعم از مالکن ، مجاورین و سایر اشخاص نسبت به حدود و حقوق ارتقائی پلاکهای قید شده اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ تنظیم صورتمجلس تحدید حدود که همه روزه در محل وقوع ملک بعمل خواهد آمد مطابق ماده ۲۰ قانون ثبت اسناد و املاک تا سی ۳۰ روز اعتراض کتبی خود را به اداره ثبت اسناد و املاک اهر تسلیم نموده و رسید اخذ نمایند و الا حق از آنان ساقط خواهد شد همچنین مطابق ماده ۸۶ اصلاحی قانون مذکور اعتراض باید کتبی و مستقیماً به اداره ثبت اسناد و املاک اهر تسلیم و معترض باید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض به اداره ثبت اسناد و املاک ، دادخواست به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم نماید و در غیر اینصورت متقاضی ثبت و نماینده قانونی وی میتواند به دادگاه مراجعه نموده و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت اسناد و املاک تحویل نماید . بدین ترتیب اداره ثبت اسناد و املاک بدون توجه به اعتراض عملیات ثبتی را با رعایت مقررات ادامه خواهد داد.

شناسه آگهی: ۲۰۶۴۲۶۹	روزنامه طرح نو
شماره : ۱۴۰۴۶۰۳۰۴۱۶۰۳۰۲۵۶۴۴ <p>تاریخ : ۱۴۰۴/۰۹/۱۱</p> <p>هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی (نوبت دوم)</p> <p>آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۴۱۶۰۳۰۲۴۲۲۳ و ۱۴۰۴۶۰۳۰۴۱۶۰۳۰۲۴۲۲۱ دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهبستر تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم/ آقای جواد باباسی اسکویی فرزند حسین بشماره شناسنامه ۴۳۷۴۹ صادره از در شش‌دانگ یک درب باغ بادام (بادام زار) به مساحت ۳۹۶۵.۰۳ متر مربع مفروز و مجزا شده از سنگ ۱۴- اصلی واقع در باغ وزیر از بخش ۱۶- شهرستان تبریز واقع در آذربایجان شرقی بخش حوزه ثبت ملک شش‌دانگ یک درب باغ انگور (موزار) به مساحت ۵۳۰.۲۰ متر مربع مفروز و مجزا شده از پلاک فرعی از سنگ ۱۴- اصلی واقع در باغ</p>	وزیر از بخش ۱۶- شهرستان تبریز واقع در آذربایجان شرقی بخش حوزه ثبت ملک شهبستر و شش‌دانگ یک قطعه باغ (پسته‌زار) به مساحت ۵۹۴.۶۰ متر مربع مفروز و مجزا شده از پلاک اراضی مشاعی فرعی از سنگ ۱۴- اصلی واقع در باغ وزیر از بخش ۱۶ شهرستان واقع در آذربایجان شرقی بخش حوزه ثبت ملک شهبستر محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۹/۱۷ <p>تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۰/۰۳</p>	صمد خاکپور اقدام <p>رئیس ثبت اسناد و املاک شهبستر</p>

شناسه آگهی: ۲۰۶۴۲۶۹	روزنامه طرح نو
شماره : ۱۴۰۴۶۰۳۰۴۱۶۰۳۰۲۵۶۴۴ <p>تاریخ : ۱۴۰۴/۰۹/۱۱</p> <p>هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی (نوبت دوم)</p> <p>آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۴۱۶۰۳۰۲۴۲۲۳ و ۱۴۰۴۶۰۳۰۴۱۶۰۳۰۲۴۲۲۱ دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهبستر تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم/ آقای جواد باباسی اسکویی فرزند حسین بشماره شناسنامه ۴۳۷۴۹ صادره از در شش‌دانگ یک درب باغ بادام (بادام زار) به مساحت ۳۹۶۵.۰۳ متر مربع مفروز و مجزا شده از سنگ ۱۴- اصلی واقع در باغ وزیر از بخش ۱۶- شهرستان تبریز واقع در آذربایجان شرقی بخش حوزه ثبت ملک شش‌دانگ یک درب باغ انگور (موزار) به مساحت ۵۳۰.۲۰ متر مربع مفروز و مجزا شده از پلاک فرعی از سنگ ۱۴- اصلی واقع در باغ</p>	وزیر از بخش ۱۶- شهرستان تبریز واقع در آذربایجان شرقی بخش حوزه ثبت ملک شهبستر و شش‌دانگ یک قطعه باغ (پسته‌زار) به مساحت ۵۹۴.۶۰ متر مربع مفروز و مجزا شده از پلاک اراضی مشاعی فرعی از سنگ ۱۴- اصلی واقع در باغ وزیر از بخش ۱۶ شهرستان واقع در آذربایجان شرقی بخش حوزه ثبت ملک شهبستر محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۹/۱۷ <p>تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۰/۰۳</p>	صمد خاکپور اقدام <p>رئیس ثبت اسناد و املاک شهبستر</p>

شناسه آگهی: ۲۰۶۴۲۷۶	روزنامه طرح نو
شماره : ۱۴۰۴۶۰۳۰۴۱۶۰۳۰۲۵۶۴۵ <p>تاریخ : ۱۴۰۴/۰۹/۱۱</p> <p>هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی (نوبت دوم)</p> <p>آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۴۱۶۰۳۰۲۳۹۰۲ و ۱۴۰۴۶۰۳۰۴۱۶۰۳۰۲۳۹۰۲ دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهبستر تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم/ آقای یعقوب سعادتیا یاغی فرزند عینعلی بشماره شناسنامه ۱۲۷ صادره از در شش‌دانگ یک درب موزار به مساحت ۲۶۹.۲۹ مترمربع مفروز و مجزا شده از پلاک اراضی مشاعی فرعی از سنگ ۱۴- اصلی واقع در باغ</p>	وزیر از بخش ۱۶- شهرستان تبریز واقع در آذربایجان شرقی بخش حوزه ثبت ملک شهبستر و شش‌دانگ یک قطعه باغ (پسته‌زار) به مساحت ۵۹۴.۶۰ متر

یک کلیک تا فاجعه!

هشدار پلیس درباره زامبی های فضای مجازی

طرح نو؛ گروه گزارش

با افزایش انتشار پیام‌ها و اپلیکشن‌های جعلی با عناوین فریبده در فضای مجازی، پلیس فتا نسبت به خطر هک تلفن همراه و سرقت حساب‌های بانکی هشدار داد و از شهروندان خواست از نصب برنامه‌ها و لینک‌های ناشناس، به‌ویژه از طریق شبکه‌های اجتماعی و موتورهای جست‌وجو، خودداری کنند.
به گزارش نصر، در روزهای اخیر پیام‌هایی با عناوین فریبده مانند «تبدیل عکس یادگاری به آلبوم با هوش مصنوعی» یا برنامه‌های مشابه در فضای مجازی دست‌به‌دست می‌شود که هدف اصلی آن‌ها آلوده‌سازی تلفن همراه کاربران است. بررسی‌ها نشان می‌دهد این پیام‌ها در بسیاری از موارد از گوشی‌های ارسال می‌شود که پیش‌تر هک شده‌اند و بدون اطلاع صاحب گوشی برای مخاطبان او ارسال می‌شوند.

کارشناسان امنیت سایبری هشدار می‌دهند نصب این برنامه‌ها می‌تواند دسترسی کامل مجرمان به اطلاعات شخصی، پیام‌ها و حتی حساب‌های بانکی افراد را فراهم کند و در کوتاه‌ترین زمان منجر به برداشت غیرمجاز از حساب‌ها شود.

به شهروندان توصیه می‌شود از کلیک روی لینک‌های ناشناس و نصب برنامه‌های ارسالی از طریق پیامک یا شبکه‌های اجتماعی خودداری کرده و نرم‌افزارهای مورد نیاز را تنها از منابع رسمی و معتبر دریافت کنند.

هشدار پلیس فتا درباره اپلیکشن‌های جعلی

همچنین سرهنگ رامین پاشایی، رئیس مرکز امداد و فوریت‌های سایبری پلیس فتا، نسبت به گسترش اپلیکشن‌های جعلی در شبکه‌های اجتماعی هشدار داد و تأکید کرد: با نصب این برنامه‌ها، کنترل گوشی از دست خارج مب شود و حساب‌های بانکی در معرض سرقت قرار می‌گیرد.
وی با اشاره به افزایش کلاهبرداری‌های سایبری از طریق اپلیکشن‌های جعلی، علت اصلی این تهدیدات را نبود قانون کپی‌رایت در کشور عنوان کرد و گفت: متأسفانه به دلیل نبود این قانون، اپلیکشن‌های جعلی به وفور ساخته می‌شوند و عمدتاً از طریق شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌های غیربومی تبلیغ می‌شوند.

وی با هشدار نسبت به برنامه‌هایی با عناوین فریبده مانند «دریافت شارژ ماهانه» یا «دریاب ماهواره‌ای»، تأکید کرد: این اپلیکشن‌ها ظاهری نرم‌افزاری اما باطنی بدافزاری دارند و با وعده‌های جایزه یا سود ماهیانه، کاربران را ترغیب به نصب و ارائه دسترسی‌های حیاتی می‌کنند. پس از نصب، گوشی به اصطلاح زامبی می‌شود و کنترل آن در اختیار مجرمان قرار می‌گیرد.

رئیس مرکز امداد و فوریت‌های سایبری پلیس فتا،

گزارش

طرح نو؛ گروه گزارش

صدای زنگ آخر مدرسه برای برخی نویدبخش آغوش گرم مادر و بوی غذاست، اما برای عده‌ای دیگر، کلید در خانه به روی سکوت و تنهایی محض باز می‌شود. اینجاست که سرنوشت تحصیلی و روانی یک دانش‌آموز بر لبه تیغی دولبه قرار می‌گیرد: آیا این تنهایی، فرصت رشد است یا دروازه‌ای به سوی اضطراب و افت تحصیلی؟ ماجرا فراتر از یک لحظه گذرا است؛ این کلید، مسیر آینده فرزندان ما را تعیین می‌کند.

اشتغال مادران امروز دیگر یک انتخاب شخصی یا محدود به گروهی خاص نیست، بلکه بخشی از واقعیت اجتماعی و اقتصادی جامعه است. اما این پدیده یک پرسش اساسی را پیش روی والدین، مربیان و سیاست‌گذاران قرار داده است: وقتی فرزندان، به‌ویژه دانش‌آموزان، ساعات زیادی از روز را بدون حضور مادر در خانه می‌گذرانند، چه تأثیری بر روند یادگیری، رشد روانی و تحصیلی آنان می‌گذارد؟ دکتر محسن اصغری نکاح، استاد دانشگاه و روان‌درمانگر، در گفت‌وگو با خبرنگار ایران‌زندگی به ابعاد مختلف این موضوع پرداخته و ضمن تأکید بر پیچیدگی شرایط، راهکارهایی نیز برای کاهش آسیب‌ها ارائه کرده است.

خانواده‌های دارای مادر شاغل؛ طیفی از شرایط

به باور دکتر اصغری نکاح، نباید خانواده‌های دارای مادر شاغل را به دو دسته خوب و بد تقسیم کرد: ما سیاستی نداریم که خانواده‌ها را سفید و سیاه کنیم. عقل سلیم می‌گوید هر کودکی وقتی در آغوش خانواده و در دسترس والدین باشد، زندگی بهتری خواهد داشت. اما شرایط اجتماعی و اقتصادی و حتی مسئولیت‌های فرهنگی و حرفه‌ای ایجاب می‌کند مادران نقش‌های مختلفی را بپذیرند. در نتیجه، بسیاری از مادران بناچار ساعات زیادی را دور از خانه سپری می‌کنند.
او ادامه می‌دهد: اگر قوانین حمایتی و شرایط کاری طوری تنظیم شود که مادران فرصت بیشتری برای حضور در کنار فرزندان داشته باشند، قطعاً بهتر است. اما واقعیت این است که بسیاری از کودکان قبل از رسیدن مادر از مدرسه به خانه می‌رسند و چند ساعتی را تنها می‌گذرانند.

سرهنگ مختاررضایی تأکید داشت که کاربرانی که بدون بررسی اعتبار منبع، صرفاً از طریق نتایج جست‌وجوی اینترنتی اقدام به دانلود و نصب اپلیکشن‌های بانکی می‌کنند، در معرض خطر نصب بدافزار، اپلیکشن‌های جعلی و حملات فیشینگ قرار دارند. در بسیاری از موارد، پس از نصب اپلیکشن جعلی، به محض ورود کاربر به برنامه و وارد کردن اطلاعات حساب، بخشی یا تمام موجودی حساب بانکی وی توسط کلاهبرداران برداشت می‌شود.

مختاررضایی با بیان اینکه رصد و شناسایی اپلیکشن‌های جعلی بانکی همواره در دستور کار پلیس فتا قرار دارد، بیان داشت: شهروندان می‌توانند در صورت مشاهده اپلیکشن‌های جعلی، موضوع را از طریق وب‌گاه پلیس فتا به نشانی **fata.gov.ir** گزارش دهند تا اقدامات لازم برای حذف آن‌ها انجام شود.

وی از شهروندان خواست تلفن همراه خود را به آنتی‌ویروس‌های معتبر مجهز کرده و آن‌ها را به صورت مستمر به‌روزرسانی کنند و تأکید کرد که اطلاعات حساس بانکی از قبیل رمز اول و دوم، نام کاربری و کلمه عبور سامانه‌های بانکی، تاریخ انقضا و کد CVV۲ را به هیچ عنوان در تلفن همراه ذخیره نکنند.

تیغ دولبه؛ کلید خانه؛ فرصت استقلال یا دروازه اضطراب؟



بازوی کمکی مادران باشند. اگر آنها در مراقبت و نظارت بر کودک مشارکت کنند، فشار روانی مادر کاهش یافته و کودک نیز احساس امنیت بیشتری خواهد کرد. معلمان نیز وظیفه دارند بر روند یادگیری و کیفیت تکالیف نظارت کنند. اگر متوجه ضعف یا خطا شدند، آن را با والدین در میان بگذارند تا جلوی افت تحصیلی گرفته شود.

نقش دولت و سیاست‌گذاران

به اعتقاد دکتر اصغری نکاح، بخشی از مشکل تنها به خانواده‌ها برنمی‌گردد، بلکه سیاست‌گذاران نیز باید مسئولیت بپذیرند: سال‌های اولیه زندگی کودک بسیار حیاتی است. دولت‌ها باید قوانینی برای حمایت از مادران تدوین کنند تا در این دوره بتوانند وقت بیشتری کنار فرزندان باشند. خوشبختانه در سال‌های اخیر برخی تغییرات قانونی در این زمینه ایجاد شده است، اما هنوز کافی نیست.
او از کمبود ساختارهای حرفه‌ای مراقبت از کودک در کشور انتقاد کرد و گفت: ما برای سالمندان خدمات مراقبتی داریم، اما برای کودکان چنین چیزی به‌طور جدی وجود ندارد. چرا نباید مربیان آموزش‌دیده‌ای داشته باشیم که در خانه‌ها یا مراکز معتبر از کودکان مراقبت کنند؟ این امر می‌تواند به مادران شاغل آرامش خاطر بدهد و در عین حال از افت تحصیلی کودکان جلوگیری کند.»

آموزش مجازی؛ ابزار مکمل

وی در پاسخ به پرسشی درباره استفاده از منابع آموزشی آنلاین، گفت: کتاب‌های صوتی، فیلم‌های آموزشی و سامانه‌های مجازی می‌توانند نقش مکمل ایفا کنند. اما این ابزارها هرگز جایگزین ارتباط عاطفی و نظارت مستقیم والدین نمی‌شوند. اگر این منابع استاندارد و نظارت‌شده باشند، می‌توانند در زمان تنهایی کودک، بخشی از نیاز آموزشی او را پوشش دهند.

خانواده داری مهمترین وظیفه مادران

دکتر اصغری نکاح در پایان می‌گوید: تنهایی دانش‌آموزان در خانواده‌های دارای مادر شاغل یک واقعیت انکارناپذیر است. این شرایط می‌تواند تهدیدی برای تحصیل و روان کودک باشد، اما اگر والدین زمان خود را مدیریت کنند، پدران درگیر شوند، معلمان نظارت کنند و ساختارهای حمایتی تقویت شود، حتی می‌تواند به فرصتی برای رشد استقلال و مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان تبدیل شود.

مهم‌ترین وظیفه مادران در هر شرایطی، خانواده‌داری است؛ خانواده‌داری نه به معنای خانه‌داری، بلکه به معنای ایجاد ارتباط عاطفی گرم، نظارت تربیتی و همراهی با فرزندان.



ترس، ناتوانی در مدیریت امور یا حتی افت تحصیلی می‌شوند. در این شرایط، مراجعه به مشاور و دریافت آموزش‌های تخصصی برای کودک و والدین ضروری است.

اثرات مستقیم بر عملکرد تحصیلی

یکی از بخش‌های مهم گفت‌وگوی دکتر اصغری، بررسی تأثیر تنهایی بر تحصیل کودکان است: حداقل اثر این تنهایی این است که وقتی بچه تنها است، کسی برای رفع اشکال درسی یا نظارت مستقیم وجود ندارد. کودک ناچار است صرفاً با اتکا به آنچه در مدرسه یاد گرفته کار کند. این مسئله احتمال خطا را افزایش می‌دهد، تکالیف سخت‌تر می‌شود و فرسودگی تحصیلی به وجود می‌آید.
او ادامه می‌دهد: اگر والدین پیش از ترک خانه بخشی از تکالیف را با کودک مرور کنند، یا بعد از بازگشت زمان کیفی در اختیارش بگذارند، این خلأ کمتر می‌شود. حتی تماس تلفنی کوتاه، ارسال یادداشت یا پرسیدن چند سؤال ساده درباره تکالیف می‌تواند به کودک این حس را بدهد که تحت نظارت است و تنها رها نشده است.»

به باور این روانشناس، تشویق و تحسین از سوی والدین می‌تواند انگیزه‌های تحصیلی کودک را زنده نگه دارد: وقتی کودک بفهمد مادر یا پدر تلاش‌هایش را می‌بینند، حتی اگر حضور فیزیکی نداشته باشند، اعتمادبه‌نفس بیشتری در انجام تکالیف پیدا می‌کند.

استقلال در یادگیری

اصغری در ادامه به جنبه مثبت ماجرا هم اشاره کرد و گفت: برخی دانش‌آموزان وقتی مجبور می‌شوند تکالیفشان را به‌تنهایی انجام دهند، یاد می‌گیرند مسئولیت‌پذیر باشند. این استقلال می‌تواند بعدها به رشد تحصیلی آنها کمک کند. اما لازم‌اش این است که والدین پیش‌تر مهارت‌های لازم را در کودک پرورش داده باشند.

کیفیت رابطه والدین مهم‌تر از حضور فیزیکی

به گفته دکتر اصغری، مهم‌ترین نکته نوع رابطه مادر با کودک است: تنها بودن کودک به‌خودی‌خود مشکل‌ساز نیست. آنچه اهمیت دارد، کیفیت ارتباط مادر با فرزند است.

مهارت گفت‌وگو، همدلی، تحسین و نظارت غیرمستقیم نقش تعیین‌کننده‌ای دارند. اگر مادر بتواند زمان‌های کوتاه حضورش را به شکلی کیفی صرف کند، آثار تنهایی به حداقل می‌رسد.

نقش پدران و همراهی معلمان

این روانشناس بر اهمیت نقش پدران نیز تأکید می‌کند: پدران باید

زبان فرهنگ و دیپلماسی در دربار سلاطین عثمانی؛

نفوذ دیرینه و ژرف زبان و ادبیات فارسی بر قلمرو عثمانی و زبان ترکی

طرح نو؛ سردبیر

تاریخ تمدن‌های اسلامی در منطقه غرب آسیا و آناتولی، با پیوندی ناگسستنی میان دو هویت فرهنگی بزرگ گره خورده است: هویت ایرانی و هویت ترکی. از سده‌های میانه به این سو، زبان پارسی نه تنها به عنوان زبان یک قوم، بلکه به عنوان «زبان کلاسیک فرهنگ، هنر و دیپلماسی» در پهنه‌ای وسیع از هند تا بالکان قد برافراشت.

در این میان، دولت عثمانی جایگاهی ویژه دارد. سلاطین عثمانی که خود را وارثان تمدن‌های بزرگ اسلامی می‌دانستند، از همان آغاز شکل‌گیری قدرت خود در آناتولی، مسحور غنای ادبی و ظرافت‌های زبانی پارسی شدند. زبان فارسی در دربار عثمانی، حکمی فراتر از یک زبان بیگانه داشت؛ این زبان، معیار فرهیختگی و سواد محسوب می‌شد. تا جایی که نامه‌های رسمی میان سلاطین عثمانی و پادشاهان دیگر (حتی حکام اروپایی در دوره‌هایی) به زبان فارسی نگاشته می‌شد. عشق سلاطین عثمانی به ادبیات پارسی تا حدی بود که بسیاری از آنان خود به فارسی شعر می‌سروردند. سلطان سلیم اول، با وجود اختلافات سیاسی و نظامی با صفویان، دیوان شعری کامل به زبان فارسی دارد که نشان‌دهنده تسلط حیرت‌انگیز او بر صنایع ادبی پارسی است. همچنین سلطان سلیمان قانونی (با تخلص مجبی) و سلطان محمد فاتح، اشعار نغزی به فارسی دارند که نشان‌دهنده رسوخ مفاهیم عرفانی و عاشقانه ایرانی در اندیشه آنان است. در واقع، دربار استانبول برای سده‌ها، کانون تپنده ادب پارسی در غرب جهان اسلام بود.

اما چرا زبان فارسی به آناتولی رسوخ کرد؟

نفوذ زبان فارسی در آناتولی پیش از ظهور عثمانی‌ها و در دوران سلجوقیان روم آغاز شد. پس از حمله مغول به ایران، سیل عظیمی از دانشمندان، شاعران و عارفان ایرانی به سمت غرب و پناهگاه آناتولی روانه شدند. حضور شخصیت‌های بی‌بدیلی چون مولانا جلال‌الدین بلخی در قونیه، این شهر را به قطب زبان و عرفان ایرانی تبدیل کرد.

این بستر فرهنگی آماده، به دولت عثمانی ارث رسید. عثمانی‌ها که در ابتدا ساختار دیوانی و اداری منسجمی نداشتند، الگوهای اداری و سیاسی خود را از نظام دیوان‌سالاری ایرانی اقتباس کردند. کلماتی مانند «پادشاه»، «وزیر»، «دیوان»، «دفتر» و «سپاه» که شالوده نظام سیاسی عثمانی را می‌ساختند، همگی ریشه در زبان و فرهنگ پارسی داشتند.

زبان ترکی عثمانی؛ آمیزه‌ای از هنر پارسی و دستور ترکی

زبان «ترکی عثمانی» که زبان رسمی، ادبی و اداری امپراتوری بود، در واقع یک زبان ترکیبی است. ساختار این زبان اگرچه بر پایه دستور زبان ترکی بنا شده بود، اما در حوزه واژگان، اصطلاحات و حتی ساختارهای توصیفی، به شدت تحت تأثیر فارسی و عربی قرار داشت.

به طوری که تخمین زده می‌شود که در دوران اوج ادبیات عثمانی، بیش از ۸۰ درصد واژگان متون ادبی و دیوانی را کلمات فارسی و عربی تشکیل می‌دادند. و در این میان کلماتی که مفاهیم انتزاعی، زیبایی‌شناختی و علمی را منتقل می‌کردند، عمدتاً پارسی بودند. همچنین یکی از بارزترین تأثیرات، ورود ساختار «اضافه» پارسی

(مانند: کتاب گل) به زبان عثمانی بود. شاعران عثمانی به جای استفاده از پسوندهای ترکی، از کسره اضافه فارسی برای خلق ترکیبات وصفی و اضافی استفاده می‌کردند. و نیز گفتنی است که پسوندهای فارسی مانند «-زار» (گلزار)، «-ستان» (گلستان)، «-دان» (شمع‌دان) و پیشوندهایی مثل «بی-» (بی‌چاره) به طور کامل در زبان عثمانی هضم و بومی‌سازی شدند.

به طور کلی ادبیات کلاسیک عثمانی که به «ادبیات دیوانی» مشهور است، در واقع شعبه‌ای از درخت تناور ادبیات پارسی است. شاعران عثمانی نه تنها زبان، بلکه تمام نظام زیبایی‌شناختی و تخیل شاعرانه ایرانی را وام گرفتند. قالب‌هایی چون غزل، قصیده، مثنوی و رباعی مستقیماً از ادبیات فارسی به ترکی منتقل شدند. شاعران بزرگی چون قسولوی، باقی ندیم، غزل‌های خود را دقیقاً بر اساس موازین عروضی پارسی می‌سرودند.

و مفاهیمی چون «شمع و پروانه»، «گل و بلبل»، «می و میخانه»، و «پیر مغان» که بن‌مایه‌های اصلی شعر پارسی هستند، در شعر عثمانی نیز تکرار شدند. ادبیات عثمانی بدون شناخت از شاهنامه فردوسی، خمسه نظامی و غزلیات حافظ عملاً غیرقابل درک است.

و این که سنت «نظیره‌نویسی» (پاسخ به شعر شاعری دیگر در همان وزن و قافیه) در عثمانی بسیار رایج بود. بسیاری از شاعران ترک به آثار حافظ و سعدی نظیره نوشته‌اند که نشان‌دهنده تسلط و ارادت آنان به این بزرگان است.

باید گفت که طریقت‌های صوفیه، به ویژه مولویه و یکتاشیه، نقش مهمی در ترویج زبان فارسی در میان توده‌های مردم و نجیبگان

عثمانی داشتند. در تکیه‌ها و خانقاه‌های عثمانی، خواندن «مثنوی

معنوی» و «دیوان شمس» به زبان اصلی (فارسی) بخشی از آداب سلوک بود. این امر باعث شد که حتی کسانی که در دربار نبودند، با موسیقی و واژگان فارسی آشنا شوند. نفوذ کلمات فارسی در دعاها، اصطلاحات عرفانی و مناجات‌های ترکی عثمانی از همین مسیر تقویت شد.

اصلاحات زبانی و میراث پارسی در ترکی استانبولی مدرن

با فروپاشی امپراتوری عثمانی و تأسیس جمهوری ترکیه توسط مصطفی کمال آتاتورک در سال ۱۹۲۳، جنبش «پاکسازی زبان» آغاز شد. هدف این بود که واژگان بیگانه (عمدتاً غربی و فارسی) با معادل‌های ترکی جایگزین شوند و خط از عربی به لاتین تغییر یابد.

با وجود این تلاش‌های گسترده برای جدایی از میراث عثمانی، زبان فارسی چنان در تار و پود زبان ترکی تنیده شده بود که حذف کامل آن غیرممکن بود. امروزه در زبان «ترکی استانبولی مدرن»، هزاران واژه فارسی همچنان زنده و پرکاربرد هستند.

کلماتی که در زندگی روزمره مردم ترکیه شنیده می‌شوند، گواهی بر این پیوند عمیق هستند. مانند:

پنجره (Pencere)
تخته (Tahta)
چای (Çay)
سیاه (Siyah)
دوست (Doŝt)
آرزو (Arzu)

علاوه بر این واژگان، بسیاری از ضرب‌المثل‌ها و مفاهیم اخلاقی در جامعه ترکیه مدرن همچنان ریشه‌های ایرانی خود را حفظ

خبر

**انتخابات شوراها در ۴۸ حوزه
انتخابیه شهری آذربایجان غربی
برگزار می‌شود**

طرح نو؛ گروه خبر
رئیس ستاد انتخابات آذربایجان غربی گفت: آگهی ثبت‌نام از داوطلبان انتخابات شوراهاى اسلامی شهر، روز جمعه ۲۸ آذرماه توسط فرمانداری‌های سراسر استان برای ۴۸ حوزه انتخابیه شهری منتشر شد.
رسول مقابلی با اشاره به ترکیب هیأت‌های اجرایی، افزود: اجرای مراحل و فرآیندهای انتخابات بر عهده هیأت اجرایی است که ۱۱ عضو دارد که سه عضو اداری شامل فرماندار، نماینده حقوقی دادگستری و رئیس ثبت احوال شهرستان و هشت نفر از معتمدان منتخب مردم که طی فرآیندی از میان ۳۰ نفر معتمد معرفی شده انتخاب می‌شوند.
وی خاطر نشان کرد: با تعامل و همکاری مطلوب میان هیأت‌های نظارت و فرمانداران، تاکنون هیأت‌های اجرایی در ۱۷ شهر استان تشکیل شده و در سه شهر دیگر نیز طبق جدول زمان‌بندی، هیأت‌های اجرایی تشکیل خواهد شد.
معاون سیاسی و اجتماعی استاندار آذربایجان غربی افزود: ثبت‌نام از داوطلبان انتخابات شوراهاى اسلامی شهر از ۲۱ دی‌ماه آغاز و تا ۲۷ دی‌ماه ادامه خواهد داشت و این فرآیند به‌صورت اینترنتی از طریق سامانه وزارت کشور انجام می‌شود.

**قاچاقچیان در مرزهای استان
ناکام ماندند**

طرح نو؛ گروه خبر
فرمانده مرزبانی آذربایجان غربی از کشف کالای قاچاق به ارزش ۱۱ میلیارد ریال در نوار مرزی این استان خبر داد.
سردار محمد احمدی در تشریح این خبر، اظهار کرد: مرزداران این فرماندهی با اشراف اطلاعاتی و تشدید اقدامات کنترلی در مرز، طی چند عملیات دقیق توانستند مقادیر قابل توجهی کالای قاچاق را کشف کنند.
وی افزود: مرزبانان طی این عملیات؛ موفق شدند مقدار ۱۸۵ هزار ۸۰۰ نخ سیگار، ۱۳۵ کیلوگرم برنج، ۳۲۹ کیلوگرم قند، ۴۶۲ کیلوگرم چای، ۵۴ کیلوگرم شکر، ۱۹ کیلوگرم تنباکو و چندین قلم کالای قاچاق دیگر را کشف کنند.
فرمانده مرزبانی استان با اشاره به ارزش‌گذاری ۱۱ میلیارد و ۱۵۰ میلیون ریالی کشفیات از سوی کارشناسان مربوطه، خاطر نشان کرد: در این راستا ارقام مکشوفه به یگان دالالت داده شد و پرونده قضایی در این زمینه تشکیل و شناسایی و دستگیری متهمان متواری در دستور کار مرزبانان قرار گرفت.

مسئول نمایندگی ولی فقیه در نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی:

اقامه نماز در افزایش صبر و استقامت مؤثر است



دانش و گفت: پس باید به این تکلیف دینی توجه ویژه‌ای شود چراکه بین نماز، توحید و نفی شرک ارتباط عمیقی وجود دارد و نماز در صدر مناسک قرار دارد.

مسئول نمایندگی ولی فقیه در نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی امیدبخش‌ترین آیه قرآن را آیه‌ای دانست که به نماز اشاره شده است و تصریح کرد: یکی از ویژگی‌های برجسته نماز این است که ارتباط انسان را با خداوند متعال حفظ کرده و همیشه یاد خداوند متعال را در دل انسان‌ها زنده نگه می‌دارد.
وی با بیان اینکه در حکومت دینی نماز برای مسئولان، فرماندهان و کارگزاران یک اصل اساسی است، اظهار کرد: نماز، روزه، نماز شب صبر، بردباری و به طور کلی تاب‌آوری انسان را بالا می‌برد، بنابراین اگر در جست‌وجوی راهی غیر از این باشیم، بیراهه است که این موضوع را در هشت سال دفاع مقدس نیز تجربه کرده‌ایم.
حجت‌الاسلام رضایی نقش تأثیرگذار نماز را در بالابردن روحیه صبر، ایستادگی و مقاومت بسیار مهم و ارزشمند توصیف و بیان کرد: تأثیر کلیدی نماز را در برهه‌های مختلف از جمله جنگ به وضوح دیده‌ایم، بنابراین نباید از این مقوله غافل شویم.

کتاب نفیس آستان شمس تبریزی در خوی رونمایی شد



پژوهش مستمر با هدف تعیین تکلیف آرامگاه‌های شهرداری خوی عنوان کرد و گفت: مدیریت شهری آمادگی دارد با همکاری نهادهای علمی و فرهنگی، بستر لازم برای تبدیل خوی به محور پژوهش و گردشگری معنوی مرتبط با شمس تبریزی را فراهم کند.
مدیرعامل خانه دانش و فرهنگ زریاب نیز در این مراسم با اشاره به روند تدوین کتاب آستان شمس تبریزی اظهار کرد: این اثر حاصل بیش از ده سال

طرح نو؛ گروه خبر
کتاب نفیس آستان شمس تبریزی که حاصل یک دهه پژوهش مستند درباره فرجام کار شمس تبریزی است، در خوی رونمایی شد.
همزمان با رونمایی کتاب نفیس آستان شمس تبریزی که حاصل یک دهه پژوهش مستند درباره فرجام کار شمس تبریزی است، مدیریت شهری خوی با پیش خرید این اثر و حمایت مالی و معنوی از تولید آثار علمی و برگزاری همایش‌های مرتبط، بر نقش این شهرستان در تثبیت مرجعیت فرهنگی شمس تبریزی تأکید کرد.
شهردار خوی در آئین رونمایی کتاب آستان شمس تبریزی با اشاره به جایگاه تاریخی و جهانی شمس تبریزی گفت حمایت از پژوهش‌های عمیق و مستند در حوزه مفاخر فرهنگی، یکی از اولویت‌های مدیریت شهری خوی است.
حسن نصرالله پور با بیان اینکه پیش خرید این کتاب نفیس با هدف پشتیبانی از پژوهشگران و تقویت هویت فرهنگی خوی انجام شده است، افزود: این اثر علمی می‌تواند نقش مهمی در معرفی مستند و دقیق جایگاه شمس تبریزی و تثبیت مرجعیت فرهنگی و گردشگری خوی در سطح ملی و بین‌المللی ایفا کند.
وی همچنین برگزاری همایش‌ها و برنامه‌های

ساخت چهار آموزشگاه با ظرفیت‌های آموزشی و ورزشی با کمک خیرین در مناطق مرزی ارومیه



نشان‌دهنده درک درست جامعه از اهمیت تعلیم فرزندان است باید برای آموزش کودکانی که دانش آینده آنان کشور را می‌سازد سرمایه‌گذاری کرد.
اما در حوزه مدرسه سازی خیرین ارزشمندی داریم که سال‌هاست در این امر خیر سهم هستند.
در بازدید حاج ابوالفضل هندویان سخنگوی مجمع

طرح نو؛ گروه گزارش
سخنگوی مجمع خیرین مدرسه‌ساز کشور، موضوع مدرسه‌سازی و نقش آن در پیشرفت کشور و برخورداری نسل‌های آینده از امکانات آموزشی را از اهم مسائل کشور عنوان کرد.
سخنگوی مجمع خیرین مدرسه‌ساز کشور، موضوع مدرسه‌سازی و نقش آن در پیشرفت کشور و برخورداری نسل‌های آینده از امکانات آموزشی را از اهم مسائل کشور عنوان کرد.
بر اساس این گزارش، یکی از محوری ترین مسائل قرآن کریم، توجه به احسان و نیکوکاری و انفاق در راه خدا است که بیش از ۱۰۰ آیه درباره این موضوعات نازل شده است. احسان و نیکوکاری مانند نماز، گاهی لازم است آن را آشکارا و در ملاء عام انجام داد و گاهی نیز باید مخفی باشد تا ریا محسوب نشود؛ بنابراین آنچه در احسان و نیکوکاری اهمیت دارد خلوص نیت برای خداوند است.
یکی از اعمال خیری که از اهمیت بالایی نزد خداوند متعال برخوردار است مدرسه‌سازی است، خیرین مدرسه‌ساز

خیرین مدرسه‌ساز کشور از چهار آموزشگاه که با تلاش و هزینه خیرین و با ظرفیت ۲۹ کلاس درسی و ۸۱ واحد اداری، ورزشی و پرورشی در روستاهای کم‌برخوردار مناطق مرزی ارومیه ساخته شده، ضمن تقدیر از تلاش‌های آقای ناجی شریفی به عنوان بانی ساخت مدارس، بر رفع موانع مدرسه‌سازی در استان تأکید گردید.
سخنگوی مجمع خیرین مدرسه‌ساز کشور، مدرسه‌سازی و نقش آن در پیشرفت کشور و برخورداری نسل‌های آینده از امکانات آموزشی را از اهم مسائل کشور عنوان کرد و از خیرین مدرسه‌ساز به عنوان خادمان شریف نسل‌های آینده یاد کرد.
ناجی شریفی، سازنده این مدارس که تابستان امسال در خلال بیست و هفتمین جشنواره خیرین مدرسه‌ساز آذربایجان غربی اعلام کرده بود آمادگی دارد تا یکصد مدرسه در مناطق محروم مانند کشتارگاه و بادکی و شهرک شاهد و طرزیلو و ... بسازد، در گفت و گویی با تأکید بر اهمیت نهضت ساخت مدرسه و توسعه عدالت آموزشی به عنوان سیاست اعلامی دولت چهاردهم و نقش مهم مدرسه‌سازان

در این زمینه، ضمن گلابه از عدم همکاری مسئولان استانی یادآور شد که اگر همکاری لازم از سوی مسئولان صورت پذیرد این آمادگی را دارد که روند ساخت مدارس در آذربایجان غربی را آغاز کند.
وی افزود: عواقب و علاقه به تحصیل و پیشرفت دانش‌آموزان، به عنوان آینده‌سازان ایران اسلامی، انگیزه اصلی من برای حرکت در مسیر مدرسه‌سازی است و بی هراس از موانع و مشکلات، با همت مضاعف در این مسیر گام‌های بیشتری برواخواهم داشت.
همچنین، ناجی شریفی، خواهان همکاری هرچه بیشتر مدیران ارشد استان آذربایجان غربی در راستای رسالت و مسئولیتشان شد.
وی افزود: در صورت همکاری مقامات استان آمادگی دارد تا یکصد دستگاه مدرسه را در مناطق محروم استان بسازد.
شایان ذکر است؛ استان آذربایجان غربی از نظر سرانه مدارس در رتبه ۲۸ کشوری قرار دارد و از این نظر جزو سه استان آخر است. / باشگاه خبرنگاران جوان

انفجار مواد محترقه در بوکان؛ سه عضو یک خانواده جان باختند

وی ادامه داد: آتش‌نشنان بلافاصله پس از حضور در محل، ضمن مهار آتش و جلوگیری از سرایت آن به واحدهای مجاور، مصدومان را به بیمارستان شهید قلی‌پور بوکان منتقل کردند.
رئیس سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری بوکان اضافه کرد: شدت انفجار به حدی بود که حدود ۸۰ درصد واحد مسکونی تخریب شد.

گذشته رخ داد و در جریان آن چهار نفر از اعضای یک خانواده شامل پدر، مادر و دو دختر به شدت مجروح شدند.
رئیس سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری بوکان اضافه کرد: شدت انفجار به حدی بود که حدود ۸۰ درصد واحد مسکونی تخریب شد.

طرح نو؛ گروه خبر
رئیس سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری بوکان از جان‌باختن سه نفر از اعضای یک خانواده در پی انفجار مواد محترقه در محله زیباشهر این شهر خبر داد.
رسول معروفی گفت: این حادثه چهارشنبه شب هفته

به شدت انفجار و تخریب واحد مسکونی، این حادثه بر اثر انفجار مواد محترقه روی داده است.
معروفی با بیان اینکه بررسی‌های اولیه نشان می‌دهد این حادثه بر اثر انفجار مواد محترقه رخ داده است، توضیح داد: چند روز پس از حادثه، پدر ۴۴ ساله و مادر ۴۰ ساله خانواده در یکی از مراکز درمانی ارومیه جان باختند و امروز نیز دختر ۲۰ ساله آنان به دلیل شدت جراحات فوت کرد.
به گفته وی، دختر ۱۳ ساله این خانواده همچنان در

وضعیت نامساعد در بخش مراقبت‌های ویژه یکی از بیمارستان‌های مرکز استان بستری است.
معروفی با تأکید بر رعایت نکات ایمنی، از شهروندان خواست از نگهداری هرگونه مواد محترقه صنعتی یا دست‌ساز در منازل خودداری کنند تا از بروز حوادث مشابه جلوگیری شود.
شهر بوکان با جمعیتی حدود ۲۳۰ هزار نفر، دارای چهار ایستگاه آتش‌نشانی و ۴۰ نیروی عملیاتی است و در جنوب آذربایجان غربی قرار دارد.

صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر: دکتر محمدرضا ربانی
آدرس تبریز: خیابان امام - مابین چهارراه منصور و میدان ساعت - جنب مسجد کبود
مجمع تجاری ابریشم - طبقه اول - واحد شماره ۹ شماره تماس: ۳۵۲۴۱۹۵۲
آدرس ارومیه: ابتدای خیابان سرداران ۱- پ ۲۲- طبقه ۳- واحد ۱۱
تلفکس: ۰۴۴-۳۲۲۴۸۵۸۸
لینتوگرافی و چاپ: شاخه سبز

یادداشت

ملکان؛ جایی که زمین سخاوتمند است و زندگی آرام



لیلان، بایقوت و علی‌آباد هرکدام بخشی از حافظه تاریخی ملکان را در دل خود حفظ کرده‌اند. این نشانه‌ها ساده‌اند، بی‌ادعا و انسانی؛ اما واقعی و زنده، همان‌قدر که خود شهر و زندگی جاری مردمش واقعی است. جامعه ملکان بر پایه خانواده، همیاری و باورهای ریشه‌دار شکل گرفته است. زبان رایج، ترکی آذربایجانی است و آیین‌هایی چون نوروز با دیدوبازدیدهای گسترده، مراسم مذهبی پرجمع و عروسی‌های محلی با مشارکت فامیل و همسایه‌ها، جلوه‌ای زنده از روح جمعی شهر را نشان می‌دهد. در ملکان، روابط انسانی هنوز محور زندگی است و پیوندها، گرم و ماندگارند.

خوراک در ملکان از دل خانه‌ها می‌آید؛ از آشپزخانه‌های ساده و توره‌های روستایی اش، آش دوغ، آش یارما و آش بلغور در روزهای سرد، پای ثابت سفره‌هاست و آبگوشت سنتی ملکانکه با نخود، لوبیا و سیب‌زمینی محلی پخته می‌شود، هنوز هم غذای دوره‌می‌هاست. غذاهای مبتنی بر حیویات و محصولات کشاورزی مانند قوتاب، قوروت‌بلوچی، یارما پلو و خوراک‌های محلی لوبیا و عدس بخشی از عادت غذایی مردم را می‌سازد. در کنار آن‌ها، نان‌های تنوری چون نان ساجی، نان تاوا، نان تنوری روستایی و لواش محلی و خوراک‌های فصلی مانند ساج‌پنمک، کوکو سبزی‌های محلی و خوراک کدو و بادمجان تابستانی طعم زندگی را ساده و صادقانه نگه می‌دارند؛ طعم‌هایی بی‌زرق‌وبرق اما سیرکننده، درست شبیه خود مردم ملکان است.

امروزه ملکان شهری متکی بر کشاورزی، فعالیت‌های خدماتی و اقتصاد محلی است؛ شهری که تاکستان‌ها، خوشه‌های انگور و زمین‌های بارورش هنوز ستون اصلی آن‌اند. آرامش اجتماعی، پیوندهای سنتی و ظرفیت‌های تولیدی، چشم‌اندازی از توسعه‌ای آهسته اما پایدار ترسیم می‌کند؛ توسعه‌ای که اگر درست هدایت شود، می‌تواند هم‌زمان با حفظ هویت بومی پیش برود. ملکان شهر شلوغی نیست؛ اما ریشه دارد. شهری که به‌جای بلند حرف‌زدن، محکم ایستاده، با خوشه‌های طلائی انگور نفس می‌کشد و زندگی می‌کند.

گزارش

طرح نو بررسی می‌کند:

تبریز در گره‌گاه ترافیک

بازگشت اعتماد، پیش‌نیاز نظم نو



اینکه وعده‌ها پیگیری و به نتیجه می‌رسند.

از مدیریت واکنشی به مدیریت پیش‌نگر

راه‌اندازی کامل مرکز مدیریت هوشمند ترافیک (TMC) اگر با اقدام داده‌های واقعی، تحلیل لحظه‌ای و هماهنگی میان پلیس، شهرداری و حمل‌ونقل عمومی همراه شود،

پیامبر اکرم (ص):

هر کس در پی آموختن دانش باشد، بهشت در

پی او است

چهارشنبه ۳ دی ماه ۱۴۰۴ - سال نوزدهم - شماره ۳۴۷۰

رتبه ۳ در طرح رتبه بندی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

خط چهارم متروی تبریز با تراموا در مسیر ۱۹ کیلومتری و ۲۳ ایستگاه اجرا می‌شود



طرح‌نو؛ گروه شهری مدیرعامل سازمان حمل‌ونقل ریلی شهرداری تبریز در نشست خبری با اصحاب رسانه، آخرین وضعیت اجرای خطوط چهارگانه متروی تبریز را تشریح کرد و از پیشرفت فیزیکی خطوط فعال، تأمین مالی بی‌سابقه پروژه‌ها، برنامه‌ریزی برای بهره‌برداری فازهای جدید و آغاز اجرای خط چهارم به‌صورت تراموا خبر داد.

، اصغر باقری‌فر در نشست خبری با اصحاب رسانه با بیان اینکه توسعه حمل و نقل ریلی یکی از اولویت‌های دوره ششم مدیریت شهری قرار دارد، اظهار کرد: طی سه سال گذشته، ۲۹۰۰ میلیارد تومان اوراق مشارکت برای تأمین هزینه‌های متروی تبریز منتشر و جذب شده است، در حالی که طی ۱۰ سال قبل از این بازه زمانی، مجموع اوراق مشارکت تخصیص‌یافته به متروی تبریز تنها ۱۹۰۰ میلیارد تومان بوده است.

وی با بیان اینکه بر اساس مصوبه شورای عالی ترافیک کشور، چهار خط مترو برای شهر تبریز تعریف شده است، گفت: عملیات اجرایی خط یک از سال ۱۳۸۰ آغاز شد و در سه فاز طراحی شده بود. فاز نخست در سال ۱۳۹۴، فاز دوم در سال ۱۳۹۵ و فاز سوم در سال ۱۳۹۸ به بهره‌برداری رسید.

اصغر باقری‌فر ادامه داد: در دوره جدید مدیریت شهری، توجه ویژه‌ای به توسعه حمل‌ونقل درون‌شهری شده و بودجه قابل توجهی برای این حوزه پیش‌بینی شده است به‌طوری‌که میزان بودجه نسبت به سال‌های گذشته دو تا چهار برابر افزایش یافته است.

باقری‌فر با بیان اینکه در این دوره، چهار ایستگاه از خط یک شامل ایستگاه‌های ۱۳، ۹، ۱۵ و ۱۶ به

بهره‌برداری رسیده‌اند، گفت: سیستم‌های تهویه و ارتقای ایستگاه‌ها که پیش‌تر ناقص بودند، تکمیل شده‌اند. با این حال، برخی نواقص جزئی همچنان باقی مانده که در حال رفع آن‌ها هستیم. پله‌برقی‌ها و آسانسورها نیز که با مشکلاتی مواجه بودند، اکنون تکمیل شده‌اند.

وی با اشاره به پیشرفت فیزیکی خط یک اظهار کرد: این خط تاکنون ۹۸.۵ درصد پیشرفت داشته و تنها یک و نیم درصد از عملیات باقی مانده است تا این خط به‌طور کامل به اتمام برسد.

مدیرعامل سازمان قطار شهری تبریز درباره وضعیت خط ۲ مترو گفت: عملیات اجرایی این خط از سال ۱۳۹۰ آغاز شده بود، اما به دلیل مشکلات قراردادی و عدم تأمین منابع مالی کافی، با رکود مواجه شد. با این حال، در دوره جدید مدیریت شهری و با حمایت شورای شهر و شهرداری، این پروژه مجدداً فعال شده است.

وی خاطر نشان کرد: خط ۲ به طول ۲۲.۴ کیلومتر و با ۲۰ ایستگاه طراحی شده که تاکنون ۱۷ کیلومتر از تونل آن که ۱۰ کیلومتر در فاز نخست و ۷ کیلومتر در فاز دوم حفاری شده است. وی افزود: ۵۲۰ متر از حفاری باقی مانده که طبق برنامه‌ریزی‌ها تا بهمن‌ماه به پایان خواهد رسید. هدف‌گذاری شده است که فاز نخست این خط تا پایان سال ۱۴۰۵ به بهره‌برداری برسد.

وی به خط سوم مترو اشاره کرد و گفت: در دوره‌های گذشته اقدام خاصی برای این خط انجام نشده بود، اما در دو سال اخیر مدیریت جدید شهری به این نتیجه رسید که تنها پروژه‌ای که می‌تواند به‌صورت مؤثر از بار ترافیکی شهر بکاهد، کریدور شمال-جنوب تبریز است. این خط، ترینال مرکزی تبریز را به بیمارستان عالی‌نسب متصل می‌کند و بر اساس

ناوگان عمومی و مدل اقتصادی قابل اعتماد

نوسازی اتوبوس و توسعه مترو بدون مدل مالی پایدار، روی کاغذ می‌ماند. نگاه دوباره به بخش خصوصی زمانی معنا دارد که «تضمین بازگشت سرمایه» روشن باشد: قراردادهای بلندمدت، پارانه هدفمند به بلیت، بیمه ریسک بهره‌برداری و انتشار عمومی عملکرد خطوط باید با جدیت پیگیری شود. وقتی شهروند کیفیت، دقت زمان‌بندی و قیمت متصفانه را لمس کند، خودروی شخصی منطقی‌ترین انتخاب نیست؛ اتوبوس و مترو، نه‌فقط مسیر حرکت، که ریتم گفت‌وگوی روزانه شهر را سامان می‌دهند.

فرهنگ ترافیک؛ از دانستن تا عمل

رفتارهای روزمره مانند توقف روی خط عابر، بی‌توجهی به حق تقدم و استفاده افراطی از خودروی شخصی، نشانه شکاف میان دانستن و عمل کردن‌اند. این شکاف با تحمیل جریمه صرف پر نمی‌شود؛ با احساس تعلق به نظم مشترک شهری پر می‌شود. هر قدر مردم ببینند قانون برای همه یکسان اجرا می‌شود و نتیجه تصمیم‌ها قابل مشاهده است، همراهی داوطلبانه تقویت می‌شود.

رسانه محلی؛ از بلندگویی گلابه تا بل اعتماد

وقتی رسانه به داده و تحلیل متکی باشد و مسیر «بودجه تا اجرا» را روشن کند، نقش داور صرف را کنار می‌گذارد

و به روایتگر حرکت اصلاح بدل می‌شود. شفافیت رسانه‌ای یعنی نشان دادن تلاش‌ها، پیشرفت‌ها و کاستی‌ها با هم و مطالبه‌گری مبتنی بر عدد و زمان‌بندی، نه صرفاً هیجان لحظه‌ای حساب نمی‌شود بلکه این همان پلی است که اعتماد را از خبر به رفتار اجتماعی منتقل می‌کند.

نقشه راه پیشنهادی برای عبور از بحران

- ۱- اجرای کامل مفاد قانون ۱۳۸۶ و اعلام عمومی برنامه زمانی پرداخت‌ها و مشارکت‌ها.
 - ۲- تکمیل و یکپارچه‌سازی TMC با داشبورد عمومی شهری، وضعیت تقاطع‌ها، زمان‌بندی چراغ‌ها، متوسط زمان سفر.
 - ۳- زمان‌بندی دقیق بهره‌برداری خطوط مترو و اتوبوس با SLA روشن، سرساعت بودن، پاکیزگی، ظرفیت.
 - ۴- قیمت‌گذاری هوشمند پارکینگ و محدوده‌های پرتراфик همراه با گزینه جایگزین حمل‌ونقل عمومی.
 - ۵- قراردادهای مشارکت با بخش خصوصی با تضمین بازگشت سرمایه و انتشار شاخص‌های عملکرد ماهانه.
 - ۶- برنامه آموزشی مدرسه‌محور و پوش‌های محلی برای ارتقای فرهنگ ترافیک؛ از «نه به توقف روی خط عابر» تا «اولویت اتوبوس».
 - ۷- پیمان اعتماد شهر، اعلام تعهدات قابل سنجش مدیران و گزارش دوره‌ای رسانه‌ها درباره تحقق آن‌ها.
- تبریز در آستانه یک چرخش فکری ایستاده است و پذیرفته که راه حل در گسترش آسفالت نیست، در بازمهندسی شبکه، داده‌محوری، قانون‌گرایی و گفت‌وگوی صادقانه با مردم است. اگر این گفت‌وگو به مطالبه و مشارکت آگاهانه بدل شود، نخستین نشانه عبور از بحران همین گشایش در زبان و عمل مشترک خواهد بود. ترافیک تبریز می‌تواند از بحران به فرصت تبدیل شود؛ فرصتی برای بازآموزی زیستن جمعی بر مدار قانون، عقلانیت و امید خواهد بود. وقتی اعتماد برگردد، نظم نو خود، راهش را در خیابان‌های شهر پیدا می‌کند.